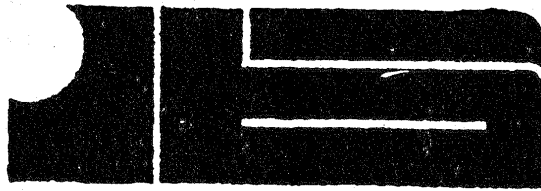


تا بود باد امپریالیسم جهانی  
بسوزد کی امپریالیسم امریکا  
و پایگاه داخلش

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

کارگران و زحمتکشان  
متحد شوید



سال پنجم - شماره ۱۷۲

سه شنبه ۸ شهریور ۱۳۶۲

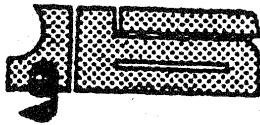
۲۰ صفحه

## سبک کار خرده بورژوازی

سازمان مجاهدین خلق ایران پس از یک دوره تلاش نافرجام در جهت جلب سازمان مابین پرچم بورژوازی لیبرال و پس از آن که طی دوره ای از سکوت گذشتن و ناپدید شدن انگاشتن سازمان با این هدف بجه گانه که سازمان پرچم خودشان در سطح جنبش مطرح نشود، و آشکاست این تاکتیک انقلابی! در عمل، بقیه در صفحه ۹

در صفحه ۲۰

کارگران  
زحمتکشان  
هواداران



## گسست در کابینه

کذاکثر میان جناحهای مختلف رژیم بر سر مسائل گوناگون اما، کلا بر سر نحوه ی ارزیابی نظام سرمایه داری (بر سر ضرورت آن که اختلافی نیست) جناحهای درونی عیث حاکمه را به رهبری مستقیم حتی در عیث دولت گشاند تا به آنجا که ضربه به استعفا ی دو وزیر کابینه گردید. اختلافاتی که از مدتها پیش بصورت پنهان و آشکار و حتی بصورت درگیریهای نظامی درون - ارگانی نهاد های رسمی و غیر رسمی شدت یافته بود، و هر یک از جناحهای سیاسی میکردند تا اهرمهای قدرت را سریع تر برای پیشبرد سیاست خاص خویش در دست گیرند، اکنون بصورت شکافی عمیق در هیئت دولت برای قبضه کامل قدرتش ولتی از سوی هر دو جناح

بخطوبایان بخشیدن به بحران اقتصادی - اجتماعی و درهم شکستن بن بست قدرت، انعکاس یافته است و امری که نهایتا برای هیچیک امکان پذیر نخواهد بود. روند عمومی تحولات درون دستگاه حکومتی همواره بر اصل تشدید اختلافها و پس از آن تجزیه و گسیختگی استوار بوده، نمونه دولت موقت و جناح بندی حزب جمهوری اسلامی از یک سو و "لیبرالها" که قدرتشان در دولت موقت تبلور یافته بود از سوی دیگر که سرانجام اختلافات به کساره گیری دولت موقت انجامید برآنچه تشدید اختلافات با بنی صحنه سرکشی و بی ادبیست جمهوری امانه همان بانوع دولت موقت، سپس جناح بندی بقیه در صفحه ۹

## ارزیابی جنبش کارگری و وظایف ما

آنچه دوران انقلابی را از یک دوران - رکود متمایز میسازد اشکال متنوع مبارزه بوده هاء اعتراضات آشکار و پنهان مبارزات مستقیم و انقلابی بوده هاست که بر بخشهای اقتصادی و سیاسی پدید می آید. اما، در یک دوران انقلابی و جزوه در شرایط اختناق، علیرغم اینکه مسیر عمومی حرکت بوده هاست تا رشد یابند و و تهاجمی است اما الزامات حرکت اعتراضی و اعتراضات پیوسته بدین وقفه نیست بلکه با توجه به میزان آگاهی، تشکر و سازمان یافتگی بوده هاء مبارزات از مراحل تهاجم آشکار تر و هاء بقیه در صفحه ۲

## حمله به سفارت ژاپن در صفحه ۱۵

جنبشها، شورشها و شروع انقلابات پیشرفت می نمایند، که شروع انقلابات همیشه تا به انتها تکامل نمی یابد (اگر برای مثال، طبقه انقلابی به اندازه کافی قوی نباشد) (لندن، اپورتونسم و سقوط انترناسیونال دوم)

## در راستای اعتصاب عمومی سیاسی و قیام

تداوم بحران انقلابی در جامعه که چشم انداز بیانی اعتصاب عمومی و قیام جدید بوده هاست در رهبری مافکار می دهد همچنان رژیم جمهوری اسلامی را در روشکستگی فرو میرود تمامی تداوم دولت - مردان بقیه در صفحه ۹

"انقلابات هرگز حاضر آماده تولید نمیگردند، آنها از فشار و زور بیرون نمیآیند و بکاره نماله و نمیشوند، آنها اغلب بوسیله یک جریان بی وقفه، بحرانها

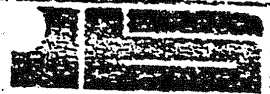
## در این شماره

### جنبش کارگری



جنبش انقلابی خلق کرد  
در صفحه ۲۰

کمیته های مخفی اعتصاب را برای برپائی یک اعتصاب عمومی سیاسی ایجاد کنیم



### ارزیابی

بقیه از صفحه ۱

تا مراحل عقب نشینی موقت آنها را میبندد. وجود تشکیلات رزنده، آن عامل تعیین کننده است که میتواند با تعیین دقیق موقع زمان حرکت و شمارهای مناسب رفته مبارزاتی و مصروفی حرکات اعتراضی را تضمین کند.

نگاهی به مبارزات کارگران در سه ماهه بهمن و اسفند ۶۱ و فروردین ۶۲ و سپس بررسی حرکات اعتراضی سه ماهه پس از آن چه از لحاظ نوع اعتراضات و به از جهت کیفیت چیرگی مارکسیست و اهمیت شکل سازمان یافتگی کارگران است. همانطور که اشاره شد اعتراضات و اعتراضات متعددی در کارخانجات مختلف از بهمن ماه ۶۱ آغاز گردیده و نقطه اوج آن حرکت یکپارچه کارگران در به تعطیل کشاندن کارخانجات و مراکز صنعتی بنام است اول ماه به بود. خواستهای کارگران عمدتاً صنفی و در مواردی سیاسی بود از جمله این خواستها دریافت عیدی و پاداش، اعتراض به اخراجها، اعتراض بقانون کار ارتجاعی دست پرده، رژیم و اعتراض بحضر جاسوسان و مزدوران انجمن اسلامی در کارخانه هاه اعتراض به افزایش ساعات کار بدون دریافت حقوق اضافه کاری، اعتراض بعدم تعطیل پنجشنبه هاه، اعتراض به بازگشت مدیران و صاحبان قبلی کارخانه هاه و بالاخره اعتراض به کسر حقوق کارگران برای جیب هاه، نبود صحت در مواردی به درگیری حاد با عناصر سرکودک و پاسداران سرمایه انجاسید و حتی در کارخانه نساجی ابرار در شیراز منجر به شهادت تن از کارگران گردید.

علیرغم موفقیت نسبی کارگران در حصول به اکثر خواستهای نظیر عیدی و پاداش و تغییراتی ظاهری در مواردی از قانون کار و حتی در برخی موارد جابجائی مزدوران انجمن اسلامی، رژیم تهاجم و سیاسی بر علیه کارگران تدارک ندید، دستگیریها و اخراجها بی دسته جمعی کارگرانی که در حرکات اعتراضی نقش فعال داشتند آغاز شد. بعنوان مثال در کارخانه کلاچ قزوین در تیرماه ۶۰، ۲۴ نفر بازداشت شدند که با انتشاری و اتحاد کارگران بجزه نفر، بقوه آزاد گردیدند. این اخراجها در اکثر کارخانه هاه و مراکز صنعتی جریان داشت و حتی رژیم در مراکز کلیدی نظیر پالایشگاه تهران و ذوب آهن اصفهان و کارگران قدیمی و با سابقه راندریهای دستگیر و یا اخراج نمودن از حرکات آتی پیشگیری نماید

و در عوض شتی سیاسی و اسناد استخدام کرد. حرکات اعتراضی و اعتصابات سه ماهه بهمن و اسفند ۶۱ و فروردین ۶۲ هر چند بصورت برنامه و نقشه از پیش تعیین شده ای نبود و صورت متحدانه ای از سوی مراکز صنعتی مختلف صورت نگرفت، اما در مجموع از آنجا که برخی خواستهای مطرح شده نظیر عیدی و پاداش هم با لحاظ موقعیت زمانی (مسئله عید و نیازهای جرم اقتصادی) و هم بجهت اینکه این خواست بوده کارگران را در بر میگرفت بظاهر حرکتی یکپارچه نمود آرگورید، و حال آنکه بجا تصمیم و برنامه ریزی قبلی نبود و علاوه بر چند در مجموع این اعتصابات سه ماهه بطول انجامید اما برخی مراکز بر تیره اعتصاب روی آوردند و برخی بهشتا تری بودند.

پس از این دوره سه ماهه بهمنی از اردیبهشت به بعد (باتوجه به اخبار رسیده) ما با یک سلسله حرکات اعتراضی پراکنده در کارخانجات مواجه بوده ایم، از جمله در مولن مکت قزوین، ارج، بخشا شتی از شرکت واحد، چینی آرکید، پارس شال، کفش ملی (کارخانه آزاده یکی از کارخانه وابسته به کفش ملی) و معدن زغال سنگ شاهرود، فعال بزی آبیک، بعضی کارخانجات جای شمال و کلاچ قزوین و نازخ و... اما این حرکات در زمانهای متفاوت با خواستهای مختلف و از لحاظ کیفیت، کم دامنه ترو صحتی در مواردی ناموفق بوده است. اعتراضات حمله اخراجها (کلاچ قزوین) و دریافت حقوق تولید (مولن مکت) اضافه حقوق بجزان ۶۱٪ (بلی از تعمیرگاههای شرکت واحد) و با تعطیل پنجشنبه هاه (ارج) صورت گرفته است. در این دوره عمدتاً ترین و عمومی ترین شکل مبارزه کارگران در اکثر قریب به اتفاق مراکز صنعتی کم کاری بوده است. در بررسی ذهنیت کارگران مشاهده میشود که زمینه ذهنی برای اعتصاب و اعتراضی کاملاً وجود دارد اما دلیل عدم سازمانی و نبود شکل مناسب با شرایط کارگران با تهاجم مزدوران رژیم و اداریه عقب نشینی میشوند و نیز همین دلیل رژیم قادر میگردد به اخراجها و دستگیریها دست زند. در این میان جد از سرکوبهای وسیع سازمانهای انقلابی و نیروهای پیشرو، در شیوه برخورد از سوی نیروهای آگاه موجود در کارخانه هاه موجب ضعف جنبش کارگری شده است. نیروهای پیشرو کارگری یا با برخورد چپ روانه خود یعنی رهبری فلسی حرکات اعتراضی سرعت شناخته شده و مورد تهاجم رژیم قرار میگیرند و قبل از ایجاد هرگونه تشکیلی که ادامه کاری را تضمین نماید از صحنه خارج میشوند و با بالعکس از هر گونه حرکت به بهانه حفظ خود بفرقه منشی که بنوعی بقای منفعل است، بنامه نظاره گری می مانند که همچون خبرنگاران،

گزارش خود را از آنکه دارد و در آخر سه نبود نقش منبر پیشرو در هدایت اعتصاب تا سلف میخربند. گویا که پیشرو، مجزیه گری است که ناگهان بر صحنه مبارزه انقلابی پروتار با ظاهر شده و آنرا رهبری خواهد کرد و بدون اینکه لحظه ای فکر کنند، پس خود آنها چه کاره اند و چه نقشی دارند.

هسته های سرخ کارخانه که میبایست وظیفه تبلیغ و ترویج را متناسب با شرایط اختلافی به پیش برند وظیفه های کمیته های مخفی اعتصاب را باید بد آورند و هنوز انجمنان که ضرورتی بوجود افتاد میکند به نقش و اهمیت وظائف خود بخوبی واقف نشده اند.

رقای با متناسب با دوران انقلابی و وظائف عاجل کمیته، حرکت لازم رانند ارتد تبلیغات مادر کارخانه هاه، ناکافی است و هنوز نتوانسته ایم پیوند بین مبارزات توده ای و کارگری را پدید آوریم. برخی رقبا منتظر جنبش خود بخودی کارگران بمان صوت ناب، کلاسک و برفوت هستند تا آنگاه به وظیفه خود یعنی تلفیق آگاهی سیاسی با جنبش طبقه عینیت بخشند. رقابتی به ند آرند که در شرایط کمیته، باتوجه به اعمال فاشیستی ترین شیوه های مرکوب که از سوی رژیم جمهوری اسلامی اعمال میشود و حتی هیچگونه شکل صنفی و قانونی از سوی رژیم تحمل نمیشود، منتظر حرکات خود بخودی کسرتند و نشستن خیالی عبت است. باید از طریق تشکیل کمیته های مخفی اعتصاب در هر کارخانه، و ارتباط بین این کمیته هاد رکنیه مراکز صنعتی، پیشرو و کارگری این پیوند را پدید آور.

مادام که در کارخانه هاه شکل سازمان یافتگی پدید نیاید، رژیم قادر است بر احضی هر حرکت اعتراضی را مرکوب سازد. اما وجود تشکیلات پروتاری در کارخانه همچون مد عظیمی در مقابل با سیاستهای ضد خلقی رژیم عملگر دی باید. هر اخراج و دستگیری اگر با مقاومت یکپارچه کارگران از طریق کمیته های مخفی تشکیل شده در کارخانه هاه مواجه گردد، رژیم را وادار به عقب نشینی میکند، نمونه هاه متعدد دی در این مورد دیده شده که اتحاد کارگران حتی مانع دستگیری و اخراجها شده است. به علاوه ناطبقه کارگر سازمان یافته ند داشته باشیم، امر پیشبرد مبارزه طبقاتی علیه بورژوازی حتی در اشکال اولیه آن نیز باوقته مواجه خواهد شد. اگر هم اکنون ذهنیت کارگران بسیار پیشرفته تر از حرکات انقلابی آنهاست، اگر کارگران در حثتهای روزمره (بر اساس گزارشات رسیده) از جنبشهای توده ای نظیر آفریه، خاک سفید و یا حرکات اعتراضی مردم در ذوقول بر علیه جنگ ارتجاعی حمایت میکنند و اگر بد رستی حاصل فرود فلاکت بقیه از صفحه ۱۰

## مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

### پارس شمال :

در چند سال اخیر در تابستان در این کارخانه رسم بر این بود که پس از ماه رمضان بدت ۱۵ تا ۲۰ روز کارخانه تعطیل شود و در این مدت کارکنان از مرخصی سالانه استفاده میکردند و وقت تعمیرات و برق و امثال اینها بزرگوارمانده و به تعمیر دستگاہهای پرداختند. در نتیجه پس از پایان مرخصی اکثر کارگران دستگاہها تعمیر شده و سالم و آماده کار بوده است. اما نیز کارگران در انتظار انجام چنین برنامه ای بودند که در کارخانه شایع میشود که اینبار کارخانه تعطیل نخواهد شد و مرخصی کارگران نه بصورت دسته جمعی ( مثل گذشته ) بلکه بتدریج صورت خواهد گرفت. کارگران این کارخانه که می دیدند دستگاہها احتیاج به تعمیرات دارند و همچنین کار در شرایط سخت و گرمسای تابستان بسیار مشکل است و تحمل برقرنین به مرخصی داشتند با عدم تعطیل کارخانه مخالفت نمودند. علت بروز این مسئله بخشناه ای بود که در ۱ خرداد ماه اصلا از سوی وزارت صنایع سنگین برای کارخانه های وابسته به این وزارتخانه ( از جمله پارس شمال ) ابلاغ گردیده و هرگونه تعطیلی کارخانه را ممنوع اعلام نموده بود. بدیعال این کارخانه نیز از آنجا که احتمال مخالفت کارگران را میدادند اعلام کرده بود که بناچار فقط یک هفته کارخانه را تعطیل کرده و بقیه مدت مرخصی کارگران به سرور به آنها داده اند. در نتیجه حدود ۳۰۰ نفر از کارگران معترض به این بخشناه ساعت ۱۰ صبح به رستوران رفتند و دست از کار میکشند و از بدیعال میخواهند که در مورد مرخصی به آنها توضیح بدهد و بدیعال نیز به سرشیفت کارخانه میگوید که فقط یک هفته تعطیل ممکن است داده شود و پیش از آن امکان ندارد و سرشیفت نیز مسئله را با کارگران در میان میکند و در که بنگاه کارگران فوق العاده خشکین شده و دسته جمعی بسمت دفتر بدیعال حرکت می کنند. ساعت ماهورین بازرسی از حرکت کارگران بطرف قسمت اداری و دفتر بدیعال مدخله یکی از بدیعالان که قصد آرام کردن کارگران خشکین واداشته اثری بخشید و آنها را به کناری زده و وارد دفتر بدیعال میشود و قصد کتک زدن او بطرفش میروند و تنبیه التماس افتادن بدیعال در همان لحظه اول که از خشم کارگران بوحشت افتاده بود او را از کتک خوردن نجات میدهد. او پس حرف خود را پس گرفته و میگوید من هیچگاه نکتم کارخانه فقط یک هفته تعطیل شود و این را ضد انقلاب شایع کرده و در ادامه صحبت مسئولیت را کلا بر عهده وزارت صنایع سنگین میکند و از کارگران خواهش میکند که در رستوران جمع شوند تا به یکی از مسئولین وزارتخانه

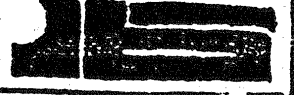
اطلاع داده شده و او توضیحات لازم را به کارگران بدهد. حدود ساعت ۱/۵ بعد از ظهر نماینده وزارت صنایع سنگین به کارخانه آمده و از همان ابتدا سعی میکند تا با پیش کشیدن سائلی چون توطئه " ضد انقلاب " برای توقف کار کارخانه ها و... مسئله جنگ، کارگران را بفریبد که با عدم موفقیت کامل مواجه شد و در تمام طول صحبتش کارگران با او در میدان در کارش - اخلال کرده و او را مورد تمسخر قرار میدادند پس از ارضایند شوراها ای اسلامی شروع به صحبت نمود ولی جرئت نکرد تا حرفی علیه کارگران بزند و او نیز انتخاب را بکردن بدیعال عامل انداخت. پس از او نماینده وزارتخانه دوباره شروع به صحبت کرد و چون میدید کارگران شدت او را مورد استهزاء قرار داده اند اعلام داشت که مسئله حتما رسیدگی شده و اگر بدیعال مقصر باشد او را از کار برکنار خواهند کرد و شما مسئله تعطیلی کارخانه را ممنوع به بررسی کار - شناسان فنی وزارتخانه از وضعیت دستگاہها می نماید. نماینده و وزارت صنایع سنگین پیش از خروج از کارخانه از آنجا که بی به اختلافات انجمن و شورای اسلامی و بدیعال برده بود در جهت هماهنگی کردن عملکرد آنها و وزارتخانه علیه کارگران آنها را به وزارتخانه برای مذاکره دعوت می کند. روز بعد کارشناسان وارد کارخانه شده و بعضی ورود بسبب مسئله کارگران احاطه میشوند و کارگران مشکلات خود را مطرح میساختند. کارگری دست یکی از کارشناسان را گرفته و محل کار خود پرده میگوید " آیا آقای وزیر نیز در چنین شرایط سختی کار میکند یا اینکه زیر کولر نشسته فقط دستور میدهد ؟ " بازرسی از دستگاہها وضعیت کارخانه حدود ۲ ساعت بطول می انجامد که در همین زمان اعضای شورا و انجمن اسلامی و مدیران نیز از وزارتخانه بر میگردند و همگی در رستوران تجمع میکنند. بالاخره - یکی از افراد شورای اسلامی برای کارگران صحبت کرده و از آنها میخواهد تا برای مرخصی رفتن در سه نوبت ۱۵ روزه موافقت کنند. بدیعال هم اعلام میدارد که بخشناه در تاریخ ۳/۱۵ بدستش رسیده و اگر به موقع اقدام کرده بود همه کارگران تاکنون توانسته بودند از مرخصی استفاده کنند و از این بابت میگوید که اشتباه کرده است. اکثر کارگران با این طرح برای مرخصی رفتن موافقت میکنند اما بهر حال چند نفر از کارگران با صدای بلند میگویند که " وزیر کار ما را با سر نیزه جیبو به کار میکند و سخت فتر نیز هیچ سرش نمیشود و فردی ضد کارگر است و... " بهر رو کارگران موقتا دست از اعتراض بر میدارند و این در حالی است که افراد شورا و انجمن اسلامی و مدیر عامل و مسئولین وزارتخانه و دیگر عوامل رژیم با یک بند دست سعی میکنند تا با بدیعال سخن از خواسته کارگران که مرخصی سالانه بوده و

## جنبش کارگری



عطش مبارزه آنها را فریادشانند و از گسترش اعتراض جلو گیرند. سه نکته باید در اینجا مورد توجه قرار گیرد اول اینکه خود تجربه مبارزه و رودر روی روزمره کارگران علیه رژیم و عواملش، هر روز توده های وسیعتری از کارگران را در مقابل رژیم قرار میدهد. شوراها ای اسلامی که از همان ابتدا از سوی رژیم برای از منخواه خالی کردن شوراها ای واقعی کارگران علیه آنها اعلام شدند سعی داشتند تا اقتضای از کارگران را که از آگاهی زیادی برخوردار نیستند بسوی خود جذب کرده و عنوان مبارزاتی کارگران را محدود نمایند و بتدریج دامن عمل و کارائی شان برای رژیم محدود و محدود تر شود و حتی گاه زمینه ای فراهم میشود که نا آگاه ترین کارگران نیز بحرصه مبارزه کشانده میشوند. و این امر ضرورت کار در ارگانهای رژیم های رژیم ساخته ای حتمی چون شوراها ای اسلامی و دیگر ارگانهای مشابه را البته در شرایطی که امکان دسترسی به توده کارگران از آن طریق موجود باشد، گوشزد مینماید در حالیکه همین کار در راستای هدف اصلی و مبارزه اصلی که کشانیدن توده کارگران بحرکت و تفکر مستقل سیاسی است میبایستی قرار گیرد. دوم اینکه افراد اصلی شوراها ای اسلامی و انجمن های اسلامی و بدیورت و... اساسا بهر اوایل رژیم یک مجموعه ضد کارگری را تشکیل میدهند و نشان بخشیدن و در هم کوبیدن مبارزات کارگران را هدف مسلحی خود قرار داده اند. هدف ما میبایستی تلاش در جهت زدودن توهم توده کارگران نسبت به اینگونه ارگانها باشد و اینکه سازمانت فیما بین انجمن و شورای اسلامی و بدیورت اساسا در رابطه با راه حل سرکشی جنبش کارگری است و نه هیچ چیز دیگر. سوم اینکه پیشاهنگ و پیشرو میبایستی فعلا نه در اینگونه حرکتهای کارگران شرکت کرده و از طریق همین مبارزات روزمره سطح آگاهی و تشکل کارگران را ارتقا بخشند و بیرون سازماندهی عناصر پیشرو را به انجام رسانند.

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است



### گست . . .

بقیه از صفحه ۱

در قالب دو جناح  
 محنتیه و "خط امامی" ها تماما  
 بیانگراین روند عمومی است در واقع بیانگر  
 بن بست قدرتی است که در مقابل رژیم  
 جمهوری اسلامی قرار دارد. از این رو تشدید  
 اختلاف که ضربه استقامتی دو فئودالزگانی  
 و کارواهر اجتماعی گردید نیز جد از این امر  
 نبود و تنها نشانه تجزیه بیشتر درون هیئت  
 حاکمه می باشد. و پایداری نیز جز همان  
 سرچشمه منحوم ندارد مگر آنکه این بن بست  
 قدرت با سرنگونی رژیم شکسته شود.

اما رژیم جمهوری اسلامی با تجاری که از  
 گذشته آویخته بود و از آنجا که میدانشست  
 بروز شکای در دستگاه حکومتی خصوصا در  
 شرایط بحرانی کنونی میتوانست نقش مهمی در  
 گسترش اعتراضات توده ای ایفا کند. و  
 سعی کرد مورد استعفاء هارانه به دلیل  
 شدت یابی تضاد ها که امری جزئی و ساده  
 جلوه دهد. بطوری که حتی مجلس نودی هم  
 هم در وزارت بازرگانی ترتیب دادند که در  
 آن مجلس عسکراولادین اظهار داشت  
 "من بر طبق وظیفه شخصی به وزارت بازرگانی  
 آمده بودم و طبق وظیفه شخصی دیگر استعفاء  
 نمودم" (اطلاعات ۱۵/۱۰/۶۲) رژیم  
 حتی سعی کرد ارتباط این استعفاءها را با  
 گرایشها و جناح بندیهای درون هیئت  
 حاکمه پنهان دارد و اساسا به نفی هرگونه  
 اختلافی بپردازد. زرهانی در مجلس برای  
 این نفی اظهار داشت "اکثریت نمایندگان  
 مجلس که دولت ضمیمت از اراده و رای اعتماد  
 آنهاست یک مجموعه یکپارچه و هم خط و  
 همدل است یعنی در مجلس هیچگونه دو  
 جناح سیاسی مساوی تندیرو، کندرو یا  
 سیانه رو وجود ندارد که با هم اختلاف کرده  
 باشند تا دولت وابسته به آنها نیز ترکیبی  
 اختلافی با دو طرفه تفکر باشد" (اطلاعات  
 ۱۶/۱۰/۶۲) اما تلاشهای رژیم برای  
 پنهان داشتن اختلافات در پیری نتایجند.  
 حران رژیم خود با اظهاراتشان وجود این  
 تضاد ها را اثبات کردند. نه تنها ضمن  
 استعفاءها خود مبین وجود اختلاف نظرها  
 است بلکه نمایندگان مجلس و از جمله همان  
 زرهانی با این سخنان که "کشور مواجعه با  
 مشکلات فراوان و پیچیده است و در یکپارای  
 تحمل اینگونه جنگهای خانگی راند شدت  
 و دانه تضاد ها را روشن کرد حتی نخست  
 وزیر نیز که اکنون خود را در موضع قدرت  
 می بیند به هنگام ارائه برنامه پنجساله اول  
 به مجلس اظهار امیدار کرد در مدت این  
 برنامه تمامی ارگانها و نهاد های جز وزارت  
 بازرگانی و وزارت کار و امور اجتماعی همکاری  
 کرده اند" (اطلاعات)

اما این اختلافات که در ارگانهای  
 مختلف حکومتی پیرویه های اجتماعی گسا  
 صورت برخورد های لفظی بگانه بصورت  
 درگیریهای حاد رخ مینماید، از جمله

اختلافاتی که بین وزارت مسکن و شهرسازی  
 از یک طرف و حاکم شرع و ادب سراسر مستقر در  
 شهر آری تهران از طرف دیگر که شکایت آن  
 بعد از مدت ها پیش خصمی برده شد و او هم  
 بشوای عالی قضائی ارجاع کرد و بالاخره از  
 سوی قوه مقننه، دعوا به مجلس کشانده شد  
 درگیریهای میان جبهه دانشگامی، ستاد  
 انقلاب فرهنگی و وزارت علوم که به صدر  
 قطنامه "ماده ای جبهه دانشگامی در  
 برخورد به "ستاد" منجر شد و توسط اردبیلی  
 جبهه دانشگامی راه سخت گیری کمتر فرا  
 خوراند، برخورد و اختلاف میان مجلسین  
 از یک طرف و مجلس با هیئت دولت از طرف  
 دیگر، تا جائیکه خصمی با تمامی تلاشهایش  
 که اختلافات از پاره برون نقتد مجبور شد  
 بگوید "مجلس باید محلی برای بحث و  
 ساختن اخلاق جامعه باشد و انتقاد و  
 استیضاح حق مجلس است، اما برخورد با  
 متخلف با آرای و طرح مسایل اخلاقی بهتر  
 رفع اختلاف میکند تا با الفاظ نیشدار و  
 مقابله بایکدیگر" درگیری میان سپاه و  
 ارتش و اختلاف میان هریک از این دو نهاد  
 که در سپاه به درگیری حاد نظامی کشیده  
 شده و علاوه بر این اختلافاتی که بین ارگانها  
 و مقامات رسمی جریان دارد، اختلافاتی که  
 در بین حاکمان غیر رسمی، فقها، ائمه  
 جمعه و مراجع تقلید شدت گرفت که در  
 ارگانهای رسمی نیز انعکاس یافته از جمله  
 طرح اسلام رساله ای و اسلام فقهاتی که  
 با رتاب گسترده اش در مجلس و خصوصا  
 مجلس خبرگان تبلور یافت، تمامی این  
 اختلافات زمانی شدت گرفت و دانه آن به  
 گسیختگی در هیئت دولت کشیده که نخست  
 وزیر با طرح نظارت چندین بر تولید و توزیع و  
 تثبیت قیمتها، حملات گسترده ای بگرایش  
 دیگر امانت عنوان کرانفرشان و محترمان  
 لغاز کرد که در پی آن نیز حمایت "خط امامی"  
 ها از این حملات وسعت گرفت. بدین  
 ترتیب با وحدت نظری که میان خط امامی ها  
 و خط مینایی حاصل آمد و ساختن خصمی  
 علیه انجمن حجتیه و کلا علیه آنان که در  
 این مجموعه می گنجند،  
 شکاف میان دستگاه حکومتی عقور پیشتری  
 یافت که بالاخره بصورت گرایش در کابینه که  
 خواهان کنترل نسبی دولتی بر تولید و توزیع  
 می باشد سرمایه گذاری را در تولید ارجح  
 میدانند مختصرا به سفیدی خط امامی ها و  
 خط مینایی ها از یکسو و آنجا که دست در سپر  
 گونه کنترل نظارتی میزنند و خواهان  
 تجارت آزاد و اساسا مالکیت نامحدود  
 میباشند یعنی جریان لیبرال - حجتیه،  
 خود را آشکار ساخت. که بدین ترتیب  
 برزبندی و گروهبندی های درون هیئت  
 حاکمه مشخص تر گردید هر چند که همواره  
 آنها فعالیت در عرصه های مختلف  
 اقتصاد سرمایه داری را قبول دارند اما با  
 نسبت های متفاوت.

اما این مسئله تنها وجهی از قضیه و با  
 در حقیقت بی اندیک سری سیاستها و موقتر  
 از آن بازناب تناقضات اجتماعی و وضعیت  
 بحرانی جامعه در عرصه های اقتصادی،

### سیاسی و احتمالی است . . .

از او اخر سال ۶۱ رژیم جمهوری اسلامی  
 برای مقابله با بحران اقتصادی و مقابله  
 با بحران اقتصادی و مقابله با رشد هر  
 دم افزون ناراضحیتی توده ها، حرکتهای  
 سرچی برای بازسازی نظام سرمایه داری آغاز  
 کرد. رژیم تنه راه برون رفت از بحران و  
 تعدیل تضاد مات طبقاتی و بازسازی نظام  
 را از یک سو در اتحاد هر چه سرختر و نزدیکتر  
 با امپریالیستها بخصوص امپریالیسم آمریکا  
 یافت و از همین رو مایل بود که در این  
 بعنوان کمونیت تبلیغات ضد کمونیستی  
 و سوسی راه انداخت تا به آمریکا و دیگر  
 امپریالیستها اطمینان دهد که در سرکوب  
 توده ها و کمونیستهای واقعی و خاصان  
 زحمتکشان تابه آخر رسالت اش را انجام  
 میدهد و آماده است تا تضادها را با  
 آمریکا گسترش دهد که برای همین منظور  
 هم هیئت های را برای رفع اختلافات  
 گذشته به آمریکا امانت عنوان هیئتهای  
 حقوقی به آمریکا اعزام داشت. و از سوی  
 دیگر در زمینه سیاست داخلی نیز سعی کرد  
 در مقایسه با گذشته اطمینان خاطر بیشتری  
 به بخش خصوصی بد هد تا به کمک  
 آنها از بحران خلاصی یابد.  
 از همین رو فعالیتهای اقتصادی را بیشتر  
 به بخش خصوصی سپرد و امکانات پیشتری  
 را نیز داده داد تا هم شرایط بهتر شود  
 بیشتر برای سرمایه داران تامین گردد و هم  
 با تحمیل بار بحران بر دوش کارگران و  
 زحمتکشان در این میان خود راه خری جوید.  
 اما از آنجا که شدت حرکتهای اعتراضی  
 توده ای و اعتراضات و اساسا جریان حاد  
 مبارزه طبقاتی، مانع فعالیت در عرصه  
 تولید سرمایه گذاری است با تمام اطمینانی  
 که از سوی رژیم داده میشد، سیاست  
 جذب سرمایه ها و سرمایه گذاری اش  
 گردید و فعالیت بخش خصوصی محدود به  
 تجارت و "آزاد" نمودن برخی کالاها از  
 سوی رژیم گردید. اما همین سیاست رژیم  
 موجب گشت که تورم بیش از پیش افزایش  
 یابد و نرخ برخی کالا های اساسی مورد نیاز  
 توده ها بصورت سرسام آوری بالا رود که این  
 خود موج جدیدی از ناراضحیتی توده ای راه  
 دنبال داشت که رژیم را کاملا بوحشت  
 انداخت.

جریان افسریه وی آمد های مشابه آن  
 به رژیم نشان داد که اعتراضات توده ای  
 "با سیاسی منگینی" به همراه دارد و ادامه  
 وضعیت موجود رژیم را بصورت درجهت  
 سرنگونی پیش خواهد برد. سخنان ناطق  
 نوری پس از ورود از افسریه شدت یابی  
 حرکتهای اعتراضی توده ای کاملا وحشت  
 و هراس رژیم را از خشم و غلیان توده ها  
 آشکار میازد. هراس از اینکه حرکتها به  
 جنبش سیاسی و لاجرم به سرنگونی منحوم  
 رژیم انجامد "اگر قدری مسائل تهران  
 مثلا سیگار رسیدگی نشود این برای کشور بار  
 سیاسی بوجود میآورد. مثلا جریان افسریه  
 با اینکه کمین

سبک کار...

بقیه از صفحه ۱

چند صباخی است که به شیوه تعریف، شایعه پراکنی و توطئه متصل شده است. تسلط سیاست در پهلوانیک بر سازمان مجاهدین که جدا از وحدت آنان با هر روزی نمیتوانست باشد از کسب و آویزگری در افشای انقلاب در ایران از دیگر نمیتوانست بر شدت شایعات، اتهامات و توطئه های مجاهدین بر علیه نیروهای انقلابی و ملی انحصاری سازمان مانع از آزادی. اخیراً نیز با اخراج آقای سامع عضو مرکزیت سازمان و همراهی رهنمودی، پدید می آید. با برادر رجبی، فرصتی ناب برای نمایش فرصت طلایی های مجاهدین و پیشبرد سیاستهای تخریبی بر علیه سازمان بدست آمده است. نشریه مجاهد شماره ۱۶۰ که در خارج از کشور منتشر میشود طی درج نامه سرپا تعریف آقای سامع و نیز توضیحی ایضا سرپا تعریف برنامه مزبور، فصل جدیدی را از این پرسش و نقی اصول حاکم بر سیاست فی مابین نیروهای انقلابی کشیده است. از این جمله است: تعریف نقش و عملکرد مبارزه مسلحانه در ایران و از این طریق وارونه جلوه دادن سیاستهای سازمان، تعریف در سیاستهای موقعیت آقای سامع، تعریف در سیاستهای سازمان نسبت به شورای ملی مقاومت، ایجاد تشبیه در مورد گرایشات صفات در سازمان و اینکه گویا فقط سازمان نمود فقط یکی از این گرایشات است او و..... و شناسایی عضو اخراجی سازمان به نام سه عضو کشته عضو مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که آشکارا در حالت در امور داخلی یک سازمان انقلابی است، و تاکنون در جنبش انقلابی ایران یک چنین کسی - پرسشی فی مابین نیروهای انقلابی دیده نشده است. در این طریق مجاهدین، الموق که آقای سامع نیز سگ نام گذاشته است برای خوش آمد بجزواری و خسرده بجزواری و جلب اعتماد آنان نسبت به نیات حسنه خود از هیچ کوششی فرود آری نگرد است، اما چرا مجاهدین و آقای سامع به چنین تاکتیکهای پیرامین شریانه تلقی بابت سنجیدند. باشد که می پرسد فرورختگی افشای موقی در مبارزات توده ها، تک جوشهای انقلابی در اینجا و آنجا و در کارخانه ها و شهرکها وسعت می یابد. توده ها به تدریج مبارزه مستقیم انقلابی علیه رژیم جمهوری اسلامی روی می آورند. آنها با بالقوه و بطور غیرمزدی خواهان سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری حکومتی هستند که بتوانند به مطالبات برجسته و انقلابی آنها پاسخ مثبت بدهد. اما باید از همان نمود که این خواست انقلابی هنوز

در مرحله جنبشی بر سر میبرد و در ربط سازمان توده ها میتوان این خواست را دریافت، توسعه مبارزات انقلابی توده ها و دخالت انقلابی پهلوانیک و نیروهای انقلابی آن ابزاری است که این خواستها را از نظر بدر آورد و روند حرکت از غیره به شمع انقلابی و روند زایش زنی مرحله جنبشی را تسریع و هدایت میکند. همراه با طی این روند و در مراحل نهایی، در هر انقلاب واقعه ای افزایش فوق العاده ای از توده های که به "شرکت فعالان مستقل و عملی در زندگی سیاسی و به تشکیل دولت میپردازند" را میتوان به عنوان مشخصه ای عمده ذکر کرد. همین شرکت فعالان مستقل و عملی توده ها است که توده های ملیون را بطور واقعی و نه الزاماً بصورت رسمی حول آن برنامه عمل انقلابی بسیج میکنند که در راستای مطالبات انقلابی و تشکیل دولت مستقل توده ها، قرار گرفته باشد. توده ها در عمل انقلابی خود کلبه برنامه های بجزوا - رفرمیستی و شیوه های بلانکیستی کسب قدرت را نقش بر آب میازند.

اکنون هنوز توده ها بصورت گسترده به عمل انقلابی میادیت نمیروند، هنوز مطالبات انقلابی آنها در وجه عمده فرسوزی است، و پهلوانیک پرولتاریا که حامل برنامه عمل انقلابی است رهبری مبارزات توده ها را بر عهده ندارد. همچنین دلایل و دلایل مشابه اثر ناتوانی قدرت سیاسی آتی بطور قطعی رخ نموده است. طبقات و اقشار و پهلوانیک سیاسی آنان برای جلب حمایت توده ها کسب رهبری به یکبارگی سرزنشناز میفولند و در این میان، اکنون تنها کمیونیتها و در این سازمان است که با ارائه برنامه عمل انقلابی و اتحاد تاکتیکهای مناسب با این برنامه بیانگر واقعی مطالبات انقلابی کارگران و محنتکشان میباشند. هر چه انقلاب به پیش رود، هر چه که توده ها بیشتر به مطالبات مستقیم انقلابی میروند، هر چه که سازمان ماود یک کمیونیتها و نیروهای انقلابی در جهت تبلیغ و ترویج برنامه عمل انقلابی به پیش روند و هر چه که توده ها بیشتر به شعور سیاسی - انقلابی نائل شوند، نیروهای حامل برنامه بجزوا - رفرمیستی بیشتر فروزی شده و امکان فعالیت توده ای برای آنان سخت تر میگردد. میشود، و زمینه های انحراف از مبارزه اصولی هر چه بیشتر گسترده میشود.

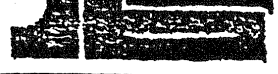
اگر مجاهدین پس از جفراد بطور رسمی ضمن دگرسی انقلابی خود را قربانی اتلاف با بجزواری - لبرال نمیدهند و پرسه این اتلاف هر چه بیشتر در سیاستهای غیر اصولی در رابطه با سایر نیروهای انقلابی و از جمله نیروهای سازمان ما نقطه بر میخورد و با وجود این اتلاف که در

تاکتیک و خط و برنامه خود را می نمایند بناگذاشته و پهلوانیک با بد به همین شیوه به پیش رود، اما زمینه های این اتلاف با تسلط سکناس و شیوه های دیپلماتیک مبارزه از همان آغاز تمام بهمن ماه بتدریج خود را در هر چه زندگی سیاسی جامعه آشکار گردانند و تمهید یافت. مجاهدین در طی این مدت تنها در هر چه هائی بکارزار پذیرند که صحنه از سایر نیروهای انقلابی در پهلوانیک بود و پهلوانیک در هر چه در آن عرصه ضعیف بودند. سر غیر این بصورت سکناس حاکم بر مجاهدین توجه لازم را برای نفی آن مبارزات ایجاب میکرد. اگر اکنون نشریه مجاهد کی توضیح خود برنامه آقای سامع "آغاز مبارزه مسلحانه" را به عملیات مجاهدین و بجزوه پس از تشکیل شورای ملی مقاومت محدود میکند، اگر چه تعریف واقعیت هاست، اما امری در روزنه پانویس به شیوه عملکردی مجاهدین نیست. زمینه های این نوع تحلیل های شمع از آن هنگامی بریزی شده که مجاهدین عمل - تبعیت از بجزواری را پیشه خود کردند. مجاهدین حتماً باید دارند که چگونه مبارزات حق طلبانه و مسلحانه خلق ترکمن و کرد را به نفع رژیم جمهوری اسلامی تعریف و محکوم میکردند و مثلاً ضمن نامه سرکشاده سازمان مطرح میکردند که "اگر همین نیت را به از کتب خارج شود". در اینجا این مبارزات توده ای محکوم بود چرا که مجاهدین با هیچ نقشی نداشتند و نقشی پس اندک - داشتند و از اینرو بشیوه ای دیگر میبایست به بجزواری خدمت کنند. اما حال، کسه نیروهای سازمان یافته مجاهدین با اعمال ترور و قتل های خود و در راستای سیاستهای بجزوا - رفرمیستی امکان عمل یافته اند و وضع کلی صفات است، این اعمال بلانکیستی، دیگر آغاز مبارزه مسلحانه انقلابی "میتواند محسوب شود. از اینگونه مثالها بسیار میتوان برشمرد، بگذریم و بگذریم. فرض بیان زمینه هائی بود که مجاهدین بالاخره بطور رسمی تبعیت از بجزواری را در برنامه عمل خود منعکس کردند و سیاستهای سکناسی خود را عمل بخند بجزواری در آورده اند. اگر در آغاز تشکیل شورای ملی مقاومت واحسان کسب قدرت صریح دعوت از سازمانهای انقلابی بجزواری شورای ملی مقاومت کفایت میکرد، اما با امتناع سازمان ما از پیوستن به ارگان سازش تحت سیطره بجزواری و تلاش سازمان از گرایشهای انحرافی چپ و راست طی یک سال مبارزه ایدئولوژیک حاد و تثبیت مواضع انقلابی فدائی از نظر طرفی، و از طرف دیگر باتیرو و نارشدن وضعیت کسب قدرت از سوی شورای ملی مقاومت، مجاهدین هر چه بیشتر به سمت سیاستهای غیر اصولی شایسته پراکنی، توطئه و... در جهت ضایع بجزواری سوق می یابند.

چرا مجاهدین بقیه در صفحه ۶

هر چه گسترده تر یار اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی





م و هم خود را بر سر جلیب  
 اعتماد توده ها و نیروهای انقلابی به بیزوازی  
 نداشته اند؟ زیرا "خرده بیزوازی در -  
 زندگی خود وابسته به بیزوازی است، زیرا  
 شیوه صاحبکاران زندگی میکند" زیرا این  
 نیرو میباید اینکه اکثریت عظیمی را تشکیل  
 میدهد "نمی تواند خود خویش را نشان دهد  
 سازد" بطور کلی در تحلیل نهائی "دوره  
 بیشتر وجود ندارد" یا تحت رهبری  
 پرولتاریا یا تحت رهبری سرمایه داران. شق  
 ثالثی وجود ندارد. گنبد گسانیکه در آرزوی  
 این شق ثالث هستند، پنداریان و موهوم  
 پرستان بیچ اند. سیاست اقتصاد دست  
 رد بسینه آنها میگذارد و تاکنون در هر سه  
 جهانی همه کوششهای خرده بیزوازی برای  
 اینکه سیاست اقتصاد را شیوه خاص خود  
 هدایت کند به شکست مواجه شده است.  
 یک نمونه و نه بیشتر، فقط یک نمونه از موفقیت  
 نظامی خرده بیزوازی را در هدایت سیاست  
 اقتصاد شیوه خاص خود بدانسان در هدایت  
 بینیم! اما بطور مشخص و قطعی نمی  
 میاهد بین با خطی برنامه ای که جهت از  
 انقلاب طبقاتی آنهاست و در شورای ملی  
 مقاومت تبلیغ شده است، عملاً در کراسی  
 انقلابی خرده بیزوازی را نشان میدهد که نمیتند  
 اکنون و در اینجا، در کراسی انقلابی تنها  
 در انقلابی با پرولتاریا نمیتند معنا یابد. به  
 جز این، خرده بیزوازی با کمال اختفارت تنها  
 به پلکان صعود بیزوازی مبدل خواهد شد.  
 برنامه "دولت موقت جمهوری دیموکراتیک  
 اسلامی" (برنامه شورای ملی مقاومت) بمثابة  
 آخرین دستاورد و ادبیاتترین برنامه  
 "شورا" پس از "مناق" را در نظر میگیرد و  
 تا کلیه ای کسب قدرت از سوی مجاهدین  
 برای بیزوازی را در نظر میگیرد، متحدین  
 بین المللی "شورا" را در نظر میگیرد، تا بطور  
 مشخص نیز خط مشی بیزوازی را بطور صریح و  
 نه پوشیده و اکنون، و نه فردا، مشاهده  
 کنید.

چرا مجاهدین خود را در مقابل  
 سازمان می بینند؟ زیرا ما میگوئیم در دوران  
 انقلابی، کارگران باید چشم و گوش خود را  
 در مقابل فریب سیاستوران بیزوازی باز  
 کنند، مردم به ما میزنند که بحرف باور نکنند و  
 فقط به نیروی خود، به تشکیلات خود به  
 اتحاد خود و به تسلیم خود متکی باشند.  
 برنامه عمل انقلابی پرولتاریا آنچه را که  
 اکنون بطور غریزی در مطن مطالبات و  
 مبارزات انقلابی توده ها وجود دارد، به  
 صورت روشنی نمودار ساخته و جهت حرکت  
 آگاهانه توده ها را برای کسب قطعی از  
 شرایطی که در آن خفتان و فقر و فلاکت  
 باز تولید میشود، مشخص میسازد. بر این  
 اساس سازمان مانده ها را برای درهم  
 شکستن نیروهای سرکوبگر رژیم و دستگاه  
 بوروکراسی سرمایه داری فرامیخواند و بطور  
 واضح اعلام میدهد که بدون چنین درهم  
 شکستی، هر چند که توده ها با ابزار تمام  
 در انقلاب شرکت ورزند، بازگشت به رژیم  
 قدیم هم از نوع جمهوری اسلامی با سلطنت و

### سبک کار...

بقیه از صفحه ۵

یا نمونه های مشابه امری مسلم خواهد بود.  
 احتقار ارگانهای اقدارتوده ای و بطور  
 عمده شوراها را تبلیغ و ترویج میکند و در آن  
 جهت سازماندهی مبارزات توده ای راه  
 پیش میرود، شوراها را که عملاً و رسمیا  
 حاکمیت کارگران و محنتشان را ضحک میکند  
 و تداوم و تثبیت آنرا تضمین مینماید. بر علیه  
 مسم و استثمار سرمایه داری و مبارزه ضد  
 امپریالیستی توده ها اقدامات مشخص  
 روشنی را سازمان میدهد و کلاً امر دیکراسی،  
 آزادی، رفاه اجتماعی و مبارزه  
 ضد امپریالیستی را نه در لافهای بیچ و  
 بی معنی و فریبکارانه، بلکه بصورتی صریح و  
 عملی از مطن مطالبات و مبارزات توده ها  
 استخراج کرده، جمع بندی میکند و توده ها  
 را احویل آن به مبارزه فرامیخواند.  
 مجاهدین و اما با با فراشتن به  
 جمهوری دیموکراتیک اسلامی، با تضمین  
 بقا، نهاد های سرکوبگر دستگاه بوروکراسی  
 با تضمین قدرت بیزوازی، با تکی کردن -  
 ضحوشوراه از قدرت توده ای و بالست  
 کردن اهداف مبارزات ضد امپریالیستی و  
 تقلیل آن در حد خواست و توان بیزوازی و  
 ... در یک کلام خد شکناری به اهداف  
 بیزوازی لبرال و الزامات نمیتوانند در مقابل  
 با برنامه عمل انقلابی پرولتاریا قرار بگیرند.  
 و هر چه که در اثر تبلیغ و ترویج پنهانگی  
 پرولتاریا توده ها با بیشتر به حقایق برنامه عمل  
 انقلابی واقف شوند، آگاه گردند و مطن این  
 برنامه بسج شوند و زمینه های مقابله جوی  
 مجاهدین، تازمانی که از سطره بیزوازی -  
 رها شده اند و افزون تر میشود.

مجاهدین در مقابل یا سازمان  
 دارند زیرا که شیوه های کسب قدرت -  
 سیاسی نمیتواند در خطوط کلی خود از  
 اهداف برنامه ای (مدون یا مفروضه) جدا  
 باشد. شیوه کسب قدرت بطریق بلانکیستی  
 از بالا، یا چاهانه زنی های دیپلماتیک یا  
 جناحهایی از بیزوازی از بیخ و بن با جنبش  
 انقلابی توده ها در تضاد آشکار است. اگر  
 در پیجوه انفجارات و تروهای بی روی و  
 پرسروصدای مجاهدین، توده ها به است  
 زده و خیره در کتاری به قهرمانیهایی  
 مجاهدین چشم دوخته بودند، اگر  
 کمونیستها بطور عموم، سازمان ما به ویژه  
 (تحت شرایط دوران بازسازی پس از  
 انشعاب اکثریتی های خائن) توانستیم برنامه  
 شخصی در آن دوران طوفانی برای بحالت  
 فعال انقلابی در قضا یاند استند و خافنگر  
 شدند، اما با ظهور سترژی این شیوه  
 مبارزاتی، توده ها به تدریج بخود آمدند،  
 بهت زدگی جای خود را به عقب نشینی موقت  
 برای تجدید قوا، ارزیابی شرایط و کشف  
 شیوه های مبارزاتی جدید در شرایط جدید

دارد. روز شماری ها و ماه شماری های -  
 مجاهدین برای سرنگونی رژیم و کسب قدرت  
 از بالا مستقل از توده ها در یک ضحکه ای -  
 پیش نبود. سازمان، اگر چه از همان ابتدا  
 خطوطی عام از انحراف مجاهدین را نمایان  
 کرد (مثلاً در جنبه های رزی و مطبات رزی)  
 اما با برخوردی کمونیستی نسبت به کاستی ها  
 و نواقص خود، با ریشه بایی از انحرافات خود  
 با جمع بندی از شیوه مبارزاتی پس از قیام  
 بهمن ماه و ویژه پس از ۳۰ خرداد، خود را  
 تصحیح نمود و در تکرار سازمانی خطوط  
 اساسی برنامه شیوه های مبارزاتی منطبق  
 بر این برنامه بنصب رسید. بر این اساس  
 لغتصاب عمومی سیاسی و قیام سلحمانه  
 توده ای، اینست آن شیوه سرنگونی انقلابی

رژیم جمهوری اسلامی که در حین آن توده ها  
 خود نیز به "تشکیل دولت" میبرد از توده  
 سازماندهی کمیته های مخفی لغتصاب و  
 مقاومت، اینست آن نوم سازماندهی که بنا  
 به شرایط خفتان امینجامه، توده ها  
 ضمن پیشروی برای لغتصاب عمومی و قیام،  
 نقطه های ارگانهای اقدارتوده ای خود و  
 بطور عمده شوراها را می پروراند. آیا این  
 شیوه مبارزاتی و این نوم سازماندهی  
 میتواند در پیشروی خود، در مقابل با کسب  
 قدرت از بالا قرار گیرد؟ و آیا میتواند در  
 مقابل با برنامه ای که هم خود را بر سر حفظ  
 ارگانهای سرکوبگر دستگاه بوروکراسی و  
 استمرار قدرت بیزوازی گذاشته است، قرار  
 بگیرد؟  
 خط مشی مجاهدین که بر مبنای ضافع  
 بیزوازی لبرال رقم میخورد نمیتوانست در  
 عرصه جهانی نیز خود را نشان دهد. اکنون  
 در وجه عمده و سو سوال - در کراسی اروپا  
 متحد بین المللی شورای ملی مقاومت محسوب  
 میشود. بی بینید، خط مشی انقلابی  
 متحدین بین المللی انقلابی می طلبد؟  
 در حین حال همین متحد بین المللی، یعنی  
 سو سوال در کراسی اروپا، همزمان هم با  
 رژیم جمهوری اسلامی لاس میزند و هم با  
 سلطنت طلبان سرسوری دارد. متحد بسیار  
 شرافتمندی است! و البته آنقدرها هم خام  
 نیست که بخاطر خط و مرزهای فرضی، بخاطر  
 شیوه های مختلف جدوشی در چهارچوب -  
 سرمایه داری برای تداوم سرمایه داری -  
 همه تخم مرغ ها را در یک سبد بندارد. به  
 هر حال اتفاقی نیست که برنامه با اصطلاح  
 ضد امپریالیستی شورای ملی مقاومت مورد  
 پشتیبانی متحدین بین المللی واقع میشود.  
 و اتفاقی نیست که شورای ملی مقاومت توسط  
 مجاهدین سعی در مقابله با کمونیستها و به  
 ویژه سازمان مارا دارند. یا نیز بر چه  
 شورای ملی مقاومت، واخته شدن کمونیستها  
 در حد مورد قبول سو سوال - در کراسی و یا  
 تشدید مبارزات ضد کمونیستی. اینست  
 شیوه با اصطلاح دیموکراتیک انقلابی ما در  
 جنبش کمونی. مجاهدین هر چه که بیشتر  
 از جنبش توده ها دور میشوند و هر چه که  
 بیشتر بر متحدین بین المللی خود تکیه  
 میکنند، الزاماً باید مبارزات ضد کمونیستی  
 خود را شدت

هرچه سریعتر نظام رادراتخاذ سیاستهای  
فوری برای نزدیک شدن بیشتر و سریعتر امریالیست  
ها و در نفی هرگونه عقب نشینی در برابر  
جنبش توده ای می بیند، این جناح دیگر  
در آن چنین سیاستی را سبوری شده میدانند  
و با هرگونه اصلاحات نیم بند که از سوی خط  
امامی ها برای تعدیل تصادمات طبقاتی  
ارائه میشود مخالف است و معتقد است که  
دیگر در آن کج دار و مریز صوری شده است.

در مقابل این جناح و همانند که گفتیم  
جناح خط میانی ها و خط امامی قرار  
دارند که در این قطع همسوی هائمی  
یافته اند و خطر جبران مقابل را که طی این  
مدت در نهاد های حکومتی نفوذ کرده و  
از پشتیبانی فقها و بر لاج تقلید نیز برخاسته  
دارند و حتی شورای نگهبان را نیز محتاطانه  
ارگان پارلمانی خود در اختیار داشته اند،  
حس کرده اند. از این رو هر از گاه های خصوصا  
زمانیکه اختلاف فاش شدت گرفته مسئله  
گود تالی خزند و راه نوبی طرح کرده اند  
بنابر این این جناح اکنون که از حمایت  
خفنی در این مطلق برخوردار است و تلاش  
میکند در عین تعصب محدود برای جلوگیری  
از سقوط کابینه با بیرون راندن عناصر جناح  
مقابل از هیئت دولت، کابینه مطلوب  
خوفی را بوجود آورد، شدت و افراط تفرات  
- هارا تنظیم و کنترل نماید تا جبران امور  
از دستش خارج نشود. از همین زاویه است  
که زرهانی به ضد استعفای وزیر بر مستغنی  
نیز اعتراض میکند و تا براد لیل آنکه "نگران  
کنند و مسئله ساز بوده و لغت تشدید  
شایعات گشته" (اطلاعات ۲۲/۵/۱۶)  
مورد انتقاد قرار میدهد و از نخست وزیر  
میخواهد که ترمیم کابینه به نحوی باشد  
که "لغت کاهش اختلاف و مشکلات و -  
کشایشی در امور دولت... شود و اظهار  
میدارد. برای انتخاب و معرفی وزیر  
جدید باید شرایط عمومی کشور و تشکلهای  
و دیدگاههای روشن مجلس را در نظر گرفته  
صبحین وجه افراد ضعیف و مسئله سازی  
که در عمل ممکن است باعث ادامه کششها  
و درگیریهای دیگری شوند به مجلس معرفی  
نمایند" و خطاب به عناصر مخالف باقی  
مانده هندار میدهد که "گله لغت کابینه  
کابینه نیز باید به این معنا واقع باشند  
که شورا و قانونا تحت تاثیر عوامل خارجی  
ولو مقدس، حق جناح بندی و موضع گیری  
ندارند زیرا مرجع مشروعیت آنان رای اعتماد  
مجلس است" (زرهانی - همانجا). علاوه  
بر اینها، این گروه بندی جدید هم برای  
مقابل با خطر جناح مقابل و هم بازسازی  
نظام و بر راه افتادن تولید، برخلاف جناح  
عسکراولادی، خواهان انجام یکسری -  
اقدامات وادرواقع عقب نشینی در برابر  
جنبش توده ای و حرکتهای اعتراضی است.  
که در واقع طرح و کنترل قیتمها و مخالفت با  
افزایشی بر رویه آن بقیه در صفحه ۸

روزم در مقابل با جنبش توده ای که هر روز  
گسترش و نفی بیشتری می یابد و از سوی دیس  
در نیاز رژیم به تمرکز هرچه بیشتر در  
دستگاههای حکومتی و ایجاد دولت  
یکپارچه که هر دو جناح متخاصم ضرورت  
آن می بیند، اند و جستجو کردن چه هر دو  
جناح در این عقیده وحدت نظر دارند که  
در شرایط کنونی بهتر از همه می باید به  
ثبات دست یابند و اینکه با یکپارچگی دولت  
و انجام بیشتر در دستگاههای حکومتی و با  
کاهش اختلافها بتوانند هم به ترمیم و  
انجام ابزار سرکوب خود بپردازند و هم  
بازسازی نظام برقراری و تثبیت نظم سرمایه  
را سرعت بخشند و از این طریق مقابل با  
بحران و لاجرم تعدیل تصادمات طبقاتی را  
تسهیل و تسریع نمایند. در اینجاست که  
خواست وحدت شبه تجزیه منجر میگردد و -  
در کابینه که خود نامد تها بعنوان پست  
میسوه (هر چند نامحاسب) در مقابل  
اکثریت مجلس قرار گرفته بود گسست و شکافی  
را موجب میشود و گرایشی که عسکراولادی ها  
نمایندگی اش میکنند در مقابل همسوی  
سیاست میانی ها و خط امامی ها قرار میگیرد  
و تضادها کاملاً شکل عینی و برابری مستقیم  
برای قبضه کامل قدرت دولتی عیان میگردد.  
جناح عسکراولادی که بدلیل عدم توازن -  
قدرت، خود را در شرایط قبضه کامل قدرت  
دولتی نمی بیند، یک گام عقب می نشیند تا  
در لحظه مناسب، تهاجم قطعی را نه تنها  
علیه خط امام بلکه متوجهین در پیروز خود در  
کابینه یعنی گرایش میانه (سرحسین موسوی  
و... ) آغاز کند و آن لحظه مناسب زمانی  
است که بتواند با تمام مسئولیت بحران و -  
ناراستی ها و بر آورده شدن نیاز توده ها  
راه کردن دولت "یکپارچه" متشکل از  
خط میانی ها و خط امامی ها بیاورد و با  
تلاش این دولت خود تمام اهرمهای قدرت  
را در اختیار بگیرد. این جناح از هم اکنون  
با "فقه الفیاض" خواندن عسکراولادی از  
سوی شفیق و نیز درخواست پذیرش استعفا  
از وزیران کابینه پس از استعفای خود وزیر  
از موضع قدرت برای قبضه کامل قدرت دولتی  
در آینده حرکت میکند. برای دستیابی به  
چنین هدفی، این جناح مسلماً سعی  
خواهد کرد با تشدید بی ثباتی و متزلزل  
کردن بیشتر کابینه زمینه های تلاشی دولت  
یکپارچه را بیش از پیش بوجود آورد از  
جمله با بهره گیری از ناتوانی دولت موسوی  
در پاسخگویی به نیاز توده ها، استیضاح  
وزرا را از سوی نمایندگان جناح خودی آغاز  
میکند و همچنین با استفاده و اتکال سیاست  
بینابینی خط میانی که گاه پانخاند سیاست  
صدمات مورد نظر خط امامی ها در لفظی پرزاد  
به اختلاف مجلس و دولت  
دامن خواهد زد. زیرا این جناح نه تنها  
این سیاست خط میانی ها را نه مانعی برای  
حل بحران می بیند، بلکه اساساً بازسازی

### گسست . . . بقیه از صفحه ۶

بود ولی بار سنگین سیاسی  
بوجود آورد . . . مردم حق دارند از -  
ناراستیها انتقاد کنند و ممکن است در این  
میان چند نفر از افراد گروهکها هم رهبری  
جریان را در دست بگیرند . . . ننشور  
گفت که این مردم ضد انقلاب هستند و اتفاقاً  
اثر بسیاری داشت اینکه بعضی ها گفتند  
همه آن مردم ضد انقلاب بودند . . . باید  
به مردم برسیم . . . با این ملت نباید سخن  
برخورد کرد" (ناطق نوری، کیهان ۲۵/۵/۲۲)

همین تظاهرات خیابانی و اعتراضات  
علنی به رژیم ثابت کرد که توده ها همچنان  
در وجه ای از شدت و آگاهی مبارزاتی رسیده اند  
که برخلاف دوران حاکمیت رژیم گذشته  
بیشتر به جنبش رژیم سرمایه داری حاکم راسا  
امپریالیسم درمی یابند و بیان خشم و گنهی  
نسبت به رژیم جمهوری اسلامی دارند که به  
رژیم اجازه نخواهند داد تا این سیاستهای  
ضد انقلابی خویش را در عرصه داخلی و  
خارجی که بقیه فقر و فلاکت بیشتر  
توده ها است بر ارضی پیش برد. اما همین  
حرکتها توده ای از سوی بصورت تشدید  
تضاد های جناحهای مختلف رژیم انعکاس  
یافت، چرا که عدم موفقیت رژیم در پیشبرد  
این سیاست - بشکلی که انتظار آنرا  
داشت - جناحهای مختلف درون هیئت  
حاکمه رادراتخاذ نحوه بازسازی نظام و  
چگونگی برقراری مناسبات با اسی بالیسم  
و برابری بکلیت قرار داد بطوریکه نتیجه  
تبعی این حرکت توده ای در شدت  
بخشیدن به اختلافات درون دستگاه  
حکومتی، تغییر سیاست رژیم برای حل بحران  
اقتصادی و مقابل با جنبش توده ای بود.  
وضع گیری موسوی نخست وزیر در برابر  
"گرافروشان و مستکرین" و مبارزه با  
تروریسم اقتصادی و طرح نظارت دولتی بر  
تولید و توزیع و سرمایه گذاری هرچه بیشتر در  
بخش تولید، و پشتیبانی برخی نمایندگان  
مجلس و نهاد های رژیم جمهوری اسلامی در  
واقع اتخاذ سیاست جدیدی بود از سوی این  
جناح در مقابل سیاست جناح دیگر. البته  
این بدین معناییست که این سیاست  
خلق السلوه در همان لحظه "هشدار"  
بوجود آمد. تداوم اختلافات و تضادها بر  
سربازسازی نظام در عرصه های مختلف از پیش  
خود را نشان داده بود. اختلافاتی که  
بیشتر در مجلس به هنگام تصویب لایحه ای  
بروز می نمود از جمله لایحه بانک و . . . این  
لحظه تنها نقطه اوج اختلافات بود که به  
کناره گیری دو وزیر منجر گردید.

از این رو کسیختگی در هیئت حاکمه را  
می باید از یک سرد رناتوانی دستگاه سرکوب

۴ ساعت کار، دو روز تعطیل در هفته حق مسلم کارگران است



رفیق سینا... بقیه از صفحه ۲۰

بقیه از صفحه ۷

گسست...

ببرقراری حالت تعادل نسبی از همین زاویه آزیمی این جناح صورت گرفته است تا با کاهش ناراضیهای نسبی نوده ها، فرصت پیشبرد سیاست بازسازی را با مصورت کام بیگام، هم در سیاست نزدیک با امریالکستهار هم در هر صده داخلی فراهم آورد.

اما این فرصت برای این جناح پیش نخواهد آمد و جناح دیگر نیز بیایستد همچنان در انتظار قیبه کامل قدرت دولتی بنشیند زیرا همچنانکه تحریریه تجزیه های گذشته در دستگاه حکومتی بعینه نشان داده، رژیم اگرچه توانسته است امروز از طریق ایجاد تمرکز و انسجام نسبی بصورت موقت از اجماع "خطرناک" حاکم برجامعه جان سالم بدر برد و کنترل اوضاع را تا حدودی بدست گیرد، اما بحران حاکم برجامعه که ناشی از ساختار سرمایه داری وابسته و اتخاذ سیاستهای متناقض رژیم جمهوری اسلامی است و از آنجا که ریشه اختلافات درونی رژیم برای کسب قدرت را نه این یا آن سیاست بلکه تناقضات اجتنابی تشکیل میدهد، پس از هر تجزیه، اختلافات و تضاد های دیگری در دستگاه حکومتی بومودمی آید که ضربه به جناح بندیهای جدید و مشخص تری میگردد.

رژیم پس از تجزیه گذشته، بصورتی موقت توانست اعتراضات نوده ای را سرکوب نماید و اقی موقت در جنبش نوده ای به وجود آورد اما مدتی پس از آن حرکتیهای نوده ای با ابعاد وسیع تر و رادیکال تر پیشرفته تری در برابر رژیم رخ نموده است و این بار نیز در صورت بروز گسیختگی دیگر ( هر چند بدلیل برخی همسانی های پایه های مشترک میان دو جناح کنونی از یکسو آزومی دیگر شد جنبش نوده ای این گسیختگی غیر محتمل بنظر میرسد چرا که حتی با برنامه ریزی برای سرکوب جنبش نوده ای ها از سوی جناح مقابل که نتیجتاً شدت یابی در کورهای و گاه گاه در کورهای مسلحانه را نیز میتوانند بدنیال داشته باشد، دو جناح در مقابل تعمیق مبارزه طبقاتی و گسترده گی جنبش نوده ای، چون نیروی واحد عمل خواهند کرد و یاز همان قانونمندی طی خواهد شد، فقط آنچه که باید گذشته تفاوت است این است که اگر در گذشته بخشهای قابل توجهی از نوده های ضوعم بدنیال سیاست های سرکوبگرانه رژیم روان بودند و رژیم را در این امر یاری میرساندند، اما این بار رژیم که در بحران اکثریت نوده ها ایزوله گردیده و دیگر توانایی گذشته را در جهت برنامه ریزی یک تجزیه دیگر و مقابله یابی آمده های احتمالی اثر ندارد، و به همین خاطر است

که مقامات رژیم سعی میکنند از پیش خطرات احتمالی را از بین بوی کام بردارند و تعقیبه های محدود در کابینه را نیز در همین رابطه باید ارزیابی کرد. زیرا از سوی رژیم هم میدانند که کنار گذاشتن جناح عسکراولادی از دستگاه حکومتی باعث خواهد شد تا این سیون دیگری به جناح ضد انقلاب مغلوب افزوده گردد و این خود موجب خواهد گشت تا رژیم جمهوری اسلامی تحت فشار شدیدی تری ناشی از ناراضیهای بازار ایران و تجار در آینده قرار گیرد که این امر خود بر شدت بحران اقتصادی و لاجرم ناراضیهای نوده ها خواهد افزود و زمینه های لغزش را - ها و لغزشهای بیشتر و گسترده تری را فراهم خواهد آورد.

بهر حال اگر رژیم موفق هم نشود اختلافات را برای ایجاد تمرکز در دستگاه حکومتی کاهش دهد و حتی موفق شود عناصر جناح عسکراولادی را از هیئت دولت کنار بگذارد ( ولی چنانکه گفتیم امری غیر محتمل بنظر میرسد ) باز هم چنین موفقیتی موقتی خواهد بود، بحران حاکم برجامعه و نظام ورشکسته اقتصادی و جنبش رو به رشد نوده ای نه تنها تضاد های دیگری درون هیئت حاکمه با ابعاد وسیع تری را من خواهد زد بلکه این تجزیه که اکنون درون کابینه حدت یافته و در ارگانهای پائین ترا شدت کثری رگاه در این میان نهاد رخ مینماید، تمامی ارگان حکومتی، از سطح بالا تا پائین، تمامی نهاد های رسمی و غیر رسمی را با شدت بیشتری در بر خواهد گرفت که ناگزیر شدت بحران و ناتوانی رژیم در پاسخگویی به نیاز نوده ها را در پی خواهد داشت که نتیجه نهی آن باز هم رشد بیشتر و آگاهانه تر مبارزات نوده ای خواهد بود. از این رو تنها یک راه حل در برابر رژیم باقی میماند، توسل صرف به ابزار سرکوب، سیاستی که اما، تنها تلاش رژیم را تسریع و نزدیکتر مینماید.

اینجا است آن زمینه های اساسی بدست قدر رژیم که اجازه نمیدهد رژیم جمهوری اسلامی با اتخاذ این یا آن سیاست "آزاد" کردن برخی کالاها و یا اعمال نظارت دولتی بر برخی فعالیتهای اقتصادی - و یا با تعویض چند وزیر یا حتی کنارگذاشتن - جناحی از دستگاه حکومتی به مقابله با بحران موجود بپردازد چرا که همچنانکه پیش از این نیز اشاره کردیم، وجود تضاد ها برخاسته از بحران لاینحل دوران انقلابی و تناقضات اجتنابی است که شدت و دامنه تضاد های درونی رژیم را رفیق قابل کنترل مینماید. تضاد هایی که تنها میتواند در عرصه یک مبارزه طبقاتی حاد، با تسلان رژیم جمهوری اسلامی حل گردد.

در جهت حفظ سرمایه بهر آنند چرا که هیچ نوفنده انقلاب صرفت تا بنیاد تمامی استشارگران را برکنند. رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی به زور سر نیزه تاکنون نتوانسته است افضی را بر جنبش نوده ای - تحمل کند ولی طفنا آنان بر سر نیزه نمیتوانند بنشینند اگرچه چون یکسال اخیر هزاران هزار نفر از فرزند ان راستین خلق را بچوخه های اعدام سپارند. ولی انقلاب لا ینقطع راه خود را با تمام فراز و نشیبهایش طی خواهد کرد. انقلابی که رهائی کارگران و زمینکنان را به ارضان خواهد آورد. انقلابی که سرمایه داران، اینزالووان نوده ها را رابکوب خواهد سپرد. ولی برای رهائی از یوغستم سرمایه باید جانفشانیها و از خود گذشتگیها کرد و این را کمونیستهار در طول تاریخ نشان داده اند که فداکارانها نه تنها بر رهائی خلقهای صیبن خود بلکه خلقهای سراسر جهان مبارزه ای بی امان برداشته و خواهند برداشت. سازمان مارکسای بسیاری را در راه پیروزی و بهزیستی خلقها از دست داده است. جمید اشرف ها، نظامها، جهانها... و سینا.

رفیق سینا در پنجم ۱۳۶۰ در یکی از دهات اطراف کرمان بدنیا آمد. دوره ابتدائی را در دهائی جا و دوره متوسطه و دانشگاه را در تهران به اتمام رسانید در این دوره که رفیق سینا از نزدیک شاهد فقر و بدبختی نوده های رنجیده و سیهمنان بود جنبش دانشجویی را برای مبارزه برگزید. ولی از فعالین جنبش دانشجویی شد. بعد از اقیام پنجم ۵۲ در ارتباط با سازمان فعالیت خود را ادامه داد. او خستگی ناپذیر پراشور و شوق در انجام وظایفش میکوشید. بعد از اقامت سیاب اهر و تنهتیهای اکثریتی رفیق از موضع انقلابی به افتاء اکثریتی های خائف پرداخت. رفیق مسئولیتهای متعددی را بر عهده داشت در ابتدا مسئول چند هفته چاپ و توزیع بود سپس مسئولیت بخش بیکاران سازمان را بر عهده گرفت و همراه رفیق جهان مبارزات بیکاران را در سطح کشور سازماندهی میکرد آخرین مسئولیت او در بخش توزیع سازمان بود که در ۲۲ اسفند ۶۰ در ارتباط با احمد خائن توسط پاسداران سرمایه در خانه اش دستگیر شده و مدت ۳ ماه زور شد بدترین شکنجه ها را گرفت ولی همچون سایر فدائیان مهر محکوت بر لب داشت. رفیق عزیمتی را رخ به ارمان خود داشت و از خصوصیات رفیق صداقت و شکیبائی اش بیش از هر چیز دیگری بارز بود.

رفیق سینا در دادگاه به ۱۵ سال حبس محکوم شده بود اما بدنیال لغتصاب فدائی که از جانب زندانیان ترتیب یافته بود در ۲۷ تیرماه ۶۱ بدست مسزوران رژیم اعدام شد.

پادش گرامسی بسار



### در راستای . . .

بقیه از صفحه ۱

رای رنگ میازد . هر چند که سرکوب و خشمناکه و ایجاد جو خفقان و اهدام و شکنجه و دستگیری های وسیع بطور اجتناب ناپذیری منجر به ایجاد افق موقت در مبارزات غلبی توده ها گردیده ولیکن همانطور که انتظار صرف افت حاصله در مبارزات توده ها صورت تا آقا زده نوب شدن نماید . اصولاً قابل تصور بود که سرکوب به تنهایی نمیتواند در هیچ زمانی نیز نتوانسته است که بر مبارزات توده ها غاشق آید . تجربیات جهانی ثابت میکند که سرکوب به تنهایی فقط میتواند حد اکثر برای یک دوره معین و کوتاه از برآمدن غلبی انقلاب جلوگیری کرده و در همین حال طی این زمان معین بحد خود میل شود ، یعنی خشم توده ها را تراکم کرده و انفجار پذیری انقلاب را تشدید نماید . سرکوب زمانی نمیتواند برای مدت زمانی طولانی تر موثر واقع شود که توأم با فرم های اجتماعی صورت بگیرد . اما رژیم جمهوری اسلامی نه خواست و نه توان انجام فرمهای اجتماعی را دارد از اینرو ، سرکوب نمیتوانست به کشاکش انقلاب و ضد انقلاب پایان بخشد و برای یک دوره کامل ضد انقلاب را بر جامعه مسلط گرداند .

امروزه دیگر هنگامی که خیر اخصاب کارگران کارخانه شیشه سازی قزوین بخاطر اخراج مدبران و آزادی رفقای دستگیر شده ایشان رای ششم ، یا هنگامی که خبر اعتصاب در کارخانه های شهر صنعتی البرز کارگران معدن تغال سنگ شاهرود و خسر نعمن کارگران کارخانه ارج بخاطر تعطیلی روزهای پنجمین رای ششم ، یا هنگامی که می ششم کارگران کارخانه کفش ملی یکی از اهفاه هیئت مدیره ( مدبر کارخانه آزاد یکی از ۱ کارخانه کفش ملی ) که نماینده د استانی نیز می باشد را شک خصلی میزنند و او و عواطف از کارخانه بیرون کرده و اعلام میکنند که دیگر حق ورود بکارخانه را ندارد و . . . بسیاری از اعتراضات و اعتراضات دیگر همه نبود شروع گسترش جد در مبارزات انقلابی توده هاست .

اگریند بیور که انقلابات هرگز حاضر آماده شولک نمیگردند ، بلکه آنها اغلب بوسیله یک جریان بی وقته و بحرانی جنبشها ، شورشیها و شروع انقلاب پیشرفت مینماید . . . انگاه ایاتنی بایست پیشروی انقلاب بسوی اعتصاب عمومی و قیامی مجد را در همین مبارزات کنونی بمثابة جزئی از آن " جریان بی وقته " جستجو نمود ؟

برای درک رابطه مبارزات کنونی بسا پیشروی انقلاب بسوی اعتصاب عمومی و قیام

ضروری است که در ضمن کنونی مبارزات توده و پیروزه کارگران ناظرانم . باید دید آیا خواستهایی که در مبارزات برآکنده کارگران طرح میشود در ضمن کنونی مبارزات یک ضمن مشترک میباشد ؟ آیا خاصین مشترکی که در اعتراضات برآکنده وجود دارد خاصیتی انقلابی است ؟ باید دید آیا همین تک جنبشهای انقلابی توده ها ( تظاهرات فاشنگ ، مبارزات خارج از محدوده و . . ) و مبارزات موجود طبقه کارگران نقطه نظر ضمن مبارزاتی ، رابطه ای معین میتواند پیدا داشته باشد ؟ و اگر چنین است یعنی اگر مبارزات کنونی در این ضمن مشترک و انقلابی است ، دیگر نمیتوان به این مبارزات بمثابة یک امر بی با افتاده و هادی نگرست بدیسی است که این مبارزات الزاماً در قدمهای اولیه ، خاصین مشترک جنبش عمومی را بطور صریح و مستقیم بنمایش نمی گذارند . اما همین این است که مبارزات موجود نقطه های آن خاصین مشترک و نهایی جنبش عمومی را درآپاشند . در اینصورت ، این مبارزات ، نقطه های اعتصاب عمومی و قیام هستند که نه بصورت بطنی بلکه تحت شرایط انفجار آمیز جامعه ، بصورت از حالت نقطه ای خارج شده و عصبیت می یابند . از اینرو ، با بررسی اشکال و خاصین مبارزات جاری نمیتوان به نقطه های آن مطالبات مشترک عمومی دست یافت ، و نتیجه بسا راستای مبارزات و آن مطالبات عمومی که از دل مبارزات جاری استخراج میشود ، به دخالت آگاهانه در عمل توده ای بود رجعت ارتقاء آن ، عاجز تر میزند .

باز در یک نمونه از همان نمونه های متعدد دیگری که ما را احاطه کرده اند به تشریح بیشتر موضوع میگردانیم : بر اساس گزارشی از کارخانه شیشه سازی قزوین در تاریخ ۱۲/۱۱ کارگران بعد از پایان ساعت کار خواهان اخراج مدبران طاقوتی میشوند و از همین رو درگیری بین کارگران و مدبران بالا میبرد و سپاه وارد جریان میشود و کارگران را تهدید به دستگیری و اخراج و کشتار میکند اما کارگران ضد مقاومت مینمایند و در نتیجه از طرف سپاه مدبر عامل طاقوتی عوض شده و شخص دیگری در رأس کار قرار میگیرد . اما حدود . . . این از کارگران ضد مقاومت مینمایند و یکبارچه خواهان اخراج مدبر انتصابی جدید نیز میگردد . در این ایسن مسئله سپاه خواهان تعیین نمایندگان از میان کارگران میگردد و کارگران متن از میان خویش انتخاب مینمایند ، اما آنان بوسیله سپاه دستگیر شده و اعتصاب همچنان بخاطر آزادی نمایندگان تا تاریخ ۱۴/۱۲/۶۱ ادامه پیدا میکند ، تا اینکه نمایندگان آزاد شده و مدبرانی به انتخاب خود کارگران برگزیده میشوند .

مبارزه کارگران بر علیه مدبران در صنایع و کارخانجات مختلف مبارزه ایست که در

سطح وسیعی جریان دارد : نمونه ذکر شده در فوق نشان میدهد که اشتباه بزرگی خواهد بود اگر مبارزات کارگران علیه مدبریت را بمثابة صرفاً " خوب یا بد " بودن این یا آن مدبر بدانیم . اگرچه این امر بصورت موقت و در مواردی میتواند کار ساز باشد ، اما عصبیت ندارد . پس چه چیز کارگران را بر علیه مدبریت برمی انگیزد و آنها را مستقیم رو در روی مدبران قرار میدهد و در مواردی این رو در روی به فعال قهر آمیزی از سوی کارگران منجر میشود ؟ عبارت دیگر این مبارزه کارگران بازتاب چیست ؟

کارگران در پیوسته تولید سرمایه داری ، استثمار میکنند و فشار این استثمار بر زندگی خود حس میکنند . غرور و نج کارگران که با فروش نیروی کار در پیوسته گردش سرمایه باز تولید میشود آنها را بطور فزینی بجایزه بر علیه این سیستم مینشانند . در طول این مبارزه فزینی ، کارگران به عناصری از علت سه روز بخودی میگردند و آنها را امج مبارزات خود قرار میدهند . اما در این مبارزات خود به خودی ، کارگران نمیتوانند این عناصر را بهم پیوند دهند و به درک علت اساسی فلاکت خود که شیوه تولید سرمایه داری است نائل شوند . در همین حال مبارزات کارگران در دوران انقلابی ، که شخصیات فرم را درآپاشد و بر بنیادهای انقلابی استوار است ، شرایط مساعدی را در جهت حرکت از -

مبارزات فزینی و صنفی به مبارزه طبقاتی ایجاد میکند .

اکنون ، مبارزه کارگران بر علیه مدبران در این محدوده جریان دارد . مدبران بمثابة عاملین سرمایه ، طمعس ترین نمودی از سرمایه داری هستند که مستقیماً و بلا واسطه در مقابل کارگران قرار دارند . بر این اساس کارگران از طریق مبارزه بر علیه مدبران ، اگرچه بطور فزینی و نقطه ای ، لیکن در حقیقت نظام سرمایه داری را بهر سوال میکشند و در ضمن این مبارزه ضمن کنترل کارگری نهفته است . ضمنی که بسا کارگری بپاشانگ میتواند بخواست طبقه تبدیل شود . کنترل کارگری بر تولید و توزیع ضمنی است که هم اکنون بطور فزینی و بدی در ضمن مبارزات کارگران وجود دارد اما وجود مطالبه ای در ضمن مبارزات کارگران و بصورت فزینی و صنفی ناشکوفانی این مطالبه بصورت یک مطالبه طبقاتی فاصله ایست که در استمرار این دوران انقلابی ، با او جگر می مبارزات کارگری در پیوند با آگاهی سوسیالیستی میتواند طی شود .

به مثال ذکر شده از مبارزه کارگران کارخانه شیشه سازی قزوین بازگردیم . در آنجا کارگران ضمن مبارزه خود برای اخراج مدبر کارخانه بقیه در صفحه ۱۰

رژیم جمهوری اسلامی را باید بایک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت



### در راستای . . .

بقیه از صفحه ۹

طریق بسط مبارزات و کاراگاه‌گرانه دنبال کرد و از هم اکنون در جهت مطالبات و ضامن مشترک نهائی به تبلیغ و ترویج سازماندهی پرداخت . پیشاهنگ باید عناصر و ظاهراً جزئی را که در مبارزات وجود دارد به هم پیوند زند و رابطه لاینفک این عناصر بسازد . بکارگزاران و بکارگران جنبه سازی قزوين ( به عنوان مثال ) نشان دهد که چه رابطه ای بین عناصر دیرینه و جدید و بکارگزاران وجود دارد . به کارگران از طریق مبارزات خود آنان نشان دهد که چگونه مطالبات آنان در محاسبات مختلف مشترك است و اشتراك ضامن طبقاتی آنها را نشان دهد . رابطه بین طبقات را آشکار گرداند و مطالبات عمومی خود را نشان دهد .

بدینگونه است که مبارزات کثونی و - "برآیند" - کارگران و زحمتکشان پیشروی - بی وقته انقلاب بسی برپائی يك لفتخاب عمومی و قیام را نهاده می‌دهد . اگر زمانی چشم انداز لفتخاب عمومی و قیام مجدداً در صفا بر اساس ماهیت رژیم جمهوری اسلامی و ضامبات فی مابین طبقات در دستر حران انقلابی در پیش روی ما قرار داشت ، امروز جنبش پرولتاریا و زحمتکشان قدیمی به پیش برداشته و مطرح خوانشهای معین گه نطفه های ضامن مشترك انقلابی را در خود دارد ، قدسهای علی را در راستای ایمن چشم انداز بری دارد .

### مختمات اصلی لفتخاب عمومی

چشم انداز لفتخاب عمومی سیاسی ، نگرشی هر چند مختصر بر مختمات این شکل از مبارزه را طلب میکند .

لغتخاب عمومی بمثابة يك مقوله تاریخی متعلق به آن مرحله ای از تاریخ جوامع است که توده عظیمی بنام طبقه کارگر در جریان تولید اجتماعی وحدت می یابد . در حقیقت تعمیق تقسیم اجتماعی کار که با تسلط و توسعه شیوه تولید سرمایه داری عین است لغتخاب عمومی را بمثابة يك مقوله تاریخی و بنزله شکل اصلی مبارزات پرولتری در جوامع سرمایه داری ( که در توده خود بقیام فرآ می روید ) یا لغتخاب مبارزه . از این نقطه نظر ، اگر درجه کارائی لغتخاب عمومی را فقط بر اساس شرایط عینی بنسجم و باید گفت که میزان وسط تقسیم اجتماعی کار در جامعه ، معری میزان کارائی لغتخاب عمومی است . هر چه که تقسیم اجتماعی کار پیشرفته تر باشد ، سلاح لغتخاب عمومی بر اثر خواهد بود و برعکس .

بنابراین همان زمینه های عینی ای که در پروسه اجتماعی شدن تولید بوجود آمده

به عناصری دیگر از نظام سرمایه داری تمامی برقراری کنند . نقش بکارگران که اکنون در شرایطی نیستند که آشکارا "سپاه" را بنیاد سازند ، به اعتراض بر علیه دستگیری نمایندگان خود سپردارند و مبارزه را با خواست آزادی - نمایندگان خود ادامه میدهند . اما این خواستی است که مبارزات بسیاری را در سایر کارخانجات و نیز در سطح جامعه ایجاد کرده است . در وطن این خواست ، ضامن سیاسی توده ای وجود دارد که زمینه های ارتقاء به يك شعار عمومی را در راستا است :

"زندانی سیاسی آزاد باید گردد" . طبقه کارگران انقلابی ترین و پیشگامترین طبقه در انقلاب نمیتواند به این خواست عمومی آزادی زندانیان سیاسی بی توجه بوده و خود را بسدود به آزادی فقط زندانیان کارگر نماید و از این روشها ر عمر جامعه میبایست پیشاپیش همه توده ها در جهت این خواست قدم بردارد و آزادی زندانیان سیاسی را ، بمثابة يك خواست عمومی نصب العین خویش قرار دهد . پیشاهنگ برای بار دیگر کسورن ضامینی که بصورت غریزی و در وطن مبارزات کارگری موجد است ، مثل آزادی زندانیان سیاسی ، نمیتواند طبقه کارگر را فقط معطوف بخود گرداند . بلکه با نشان دادن روابط فی مابین طبقات در حین مبارزات است که کارگران نیز خود آگاهی و آگاهی از روابط اجتماعی ناآل میشوند . وطن ایمن حرکت بسط آگاهی است که اتحاد کارگران با سایر توده ها حاصل عمیق ترین ضامین انقلاب شکل میگردد و در راستای برپائی لغتخاب عمومی سیاسی ( و فراروشی آن به قیام ) گامهای اساسی به پیشبرد برداشته میشود .

در مبارزات و مطالبات کثونی کارگران و زحمتکشان به ضامن مشترك متعددی - میتوان برخورد کرد که اکنون الزاماً بصورت مطالبه نهائی عنوان میشوند ، اما شرایط ارتقاء به مطالبات "همگانی" در آن مهیا است : عدم تامين شغلی و اجتماعی ، جنگ کرانی و بیکاری ، سرکوب و خفقان و غیره . . . ضامینی را برای توده ها بوجود آورده است که زمینه های مشترکی برای ضامن مشترك مبارزه فراهم نموده است . اکنون اخراج نه بسك معضل صرفاً مربوط بکارگران که کارمندان ، معلمان و . . . راهم به بهانه پاکسازی در برگرفته است . فشار کرانی برگردانده شده امری همگانی گشته است . سرکوب و خفقان تمامی توده ها را در بر گرفته و مبارزات کارگری بر علیه انجمنهای اسلامی بمثابة ارکان حاضر و آماده ارتجاع در محیط کار ، ضامن عمومی دارد . لغتخافات و نظا غرات ضد جنسك ( مثلا در زنون ) یا فشار بر روی کارگران برای رفتن به جنبه ها و مقاومت و امتناع کارگران ، ضامن مشترك توده ای می یابد . بدینگونه که در مثال گایخانه جنبه سازی قزوين - دختران بیان کردیم ، کافی نیست که به این مطالبات بهمین صورتی که ابراز میشوند - نگرست ، بلکه باید راستای ارتقاء آنها را از

است جنبه های مختلف جامعه در ارتباط با یکدیگر برقرار گرفته و در دستر همین روابط است که توده عظیمی از جمعیت که تولید کنندگان واقعی جامعه میباشند در ارتباط مستقیم با یکدیگر برقرار گرفته و در مجموع طبقه کارگر بوجود می آید . در واقع سازمان تولید ، خود با تقوه ضربه بسج بخش وسیعی از توده ها را گردیده و این بسج با تقوه طبقه کارگر در خلال يك لغتخاب عمومی است که از تقوه به فعل درمی آید و نقشی تعیین کننده را همچنان که در تجربه لغتخاب عمومی سال ۷۲ دیده ایم ، در توازن قوای انقلاب و ضد انقلاب ایفا می نماید . از اینرو لغتخاب عمومی که نتیجه چیرگی ضامبات سرمایه داری است کارآمدترین ابزاری است که در بسج و پیشترین توده ها - هائش حساسی ایفا می نماید . از آنجا که این بسج عظیم توده ای در ارتباط مستقیم با قلب مراکز اقتصاد جامعه قرار دارد ، هنگامی که تولید کنندگان واقعی متحد و یکپارچه چرخهای اقتصادی جامعه را از حرکت باز میدارند ، اغتلال در تمامی ارکان دیگر جامعه رژیم حاصل میشود و در مجموع حرکت اقتصادی تمامی ماشین دولتی را - فلج می نماید . کارگران و زحمتکشان در سال ۷۲ تجربه نمودند که لغتخاب عمومی چگونه ماشین عظیم دولت را فلج نمود و انحراف شدیدترین تنگناها قرار داد . لغتخاب کارگران قهرمان شرکت نفت مسئله سوخت رسانی را مختل نمود و عدم صدور نفت ضربه - ای کاری بر امری الهیم و سیاست ارنی رژیم زد ، و لغتخاب راه آهن امری نقل و ات - را مختل نموده و . . .

بدین ترتیب تجربه لغتخاب در سال ۷۲ این دو وجه عمومی لغتخاب سیاسی هنگامی را به عینه در نزد توده ها آشکار ساخت و - نشان داد که لغتخاب عمومی بسج کننده - ترین و قلم کننده ترین اقدامی است که از سوی کارگران و زحمتکشان در مرحله ای معین از رشد وحدت تضادها در جامعه میتواند بعمل در آید .

طی همین پروسه توسعه لغتخاب است که توده ها با قدرت خود آگاه میشوند . آنها فارغ از مسائل روزمره ای که در هشتان را در بر چرخ دنده های گردش سرمایه اسپر میسازد ، که آنها را همچون برده سرمایه از هرگونه تفکر آزاد و آگاهی نسبت به از خود بیگانگی خود مانع میشود ، که قدرت سرمایه و تقسیم مالکیت را ازلی ساخته ، که . . . و که وحدت عینی کارگران و زحمتکشان بر مانع شده ، به شناخت از روابط اجتماعی ناآل میشوند و با دریدترین حالت ( مثلا اگر پیشاهنگ پرولتاریا از توان کافی برخوردار نباشد ) به آن شناخت نزدیک میشوند . بهر حال لغتخاب عمومی آن شرایطی را ایجاد میکند که توده ها بیشترین امکان کسب آگاهی را بدست می آورند . اقتضای عقب ماندگی طبقه که تحت شرایط عادی به سختی جذب فعالیت های طبقه میشوند ، طی پروسه لغتخاب - بقیه در صفحه ۱۱

عمومی گامهایی بلند در جهت رفع عقب ماندگی خود بر میدارند. از فاصله عظیم اقتدار مختلف طبقه (از نظر آگاهی) در دوران های عادی که خود موجود عدم وحدت طبقه بود، سرعت کاسته میشود و کل طبقه (البته هنوز با درجات متفاوت) برای ارتقا به سطح مبارزه ای عالی تر، در جهت واکنش رژیم کهن آماده میشوند. اگر اقتصاب عمومی وقته ای دربار تولید سرمایه ایجاد نمیکند، در همین حال و همزمان وقته ای نیز دربار تولید از خود بیگانگی بوجود میآورند.

نقش پرولتاریا در اقتصاب عمومی سیاسی

طبقه کارگر پس از شکل گیری و تکامل کمی و کیفی خویش وظیفه تعیین کننده و حساسی را در قبال اقتصاب عمومی در ارضیاشد و بدون آگاهی از این وظیفه تاریخی اقدام جهت سپاشیدن در قبال آن هرگز قادر به انجام وظیفه خطیر خویش نخواهد شد.

از آن هنگام که به روزواری رسالت تاریخی خویش را در امر رهبری انقلابات از دست میدهد پرولتاریا به مثابه انقلابی ترین طبقه نقش رهبری سیاسی انقلابات اجتماعی را به عهده میگیرد، دیگر پرولتاریا نمیتواند و نباید به مثابه صرفا یکی از طبقات جامعه و به مثابه دنباله رونق اقتصادی و زواری در جریانات سیاسی و طبقاتی جامعه عمل نماید بلکه پرولتاریا موظف است به مثابه یک طبقه رهبر، پیشاهنگ و راهنما در مبارزه سیاسی قدم گذارد. تا هنگامی که پرولتاریا قادر نگردد در این نقش را در مبارزه سیاسی کسب نماید نلچارابه دنباله روی از پراقتشاری که به هزاران رشته به به روزواری ختم میگرددند خواهد بود اخت و به گوشت دم تسمیر به روزواری بدل خواهد گشت و از دسترسی به نتایج قطعی محروم خواهد ماند.

حال مسئله اصلی مشخصی که باید پاسخ گفته شود این است که چگونه طبقه کارگر میتواند به مثابه یک طبقه راهنما، پیشاهنگ و رهبر همه مردم قدم در پیشش گذارد؟ برای پاسخگویی به این وظیفه چه باید کرد؟

مادرانند این مقاله بازگرمونه هائس از خواستهای کارگران بزحمتکشان نشان دادیم که چگونه مبارزات منفرد کارگران در اساس دارای ضمنی مشترک میباشد که طبقه کارگر نمیتواند حول آن ضمنی مشترک شکل نمید و متحد گردد و مبارزات برانگیزه آنان را به مبارزات متحد و یکپارچه طبقه ارتقا بخشد و همچنین از سویی دیگر روشن نمودیم که چگونه از آنجا که خواستهای جنبش عمومی در پیوند با بخشی از خواستهای دموکراتیک پرولتاریا قرار دارد پرولتاریا میتواند از طریق طرح خواستهای جنبش عمومی امکان کسب

رهبری جنبش را بدست آورد و به مثابه رهبری لایق و یکجبهت تحقق اهداف عمومی جنبش قدم بردارد.

اما طبقه کارگر اگر در ارتباط با آگاهی دموکراتیک و سوسیالیستی قرار نگردد، اگر روابط فی مابین طبقات مختلف اجتماعی بنسبت سازمان پشاهنگ و متاثر رزنده پرولتاریا که در برنامه آن منعکس است به درون طبقه برده نشود، و اگر توسط کارگران پیشرو ضامن مشترک مبارزات کارگران و جنبش عمومی برجسته نشود که تا نصب العین مبارزات آنان قرار گیرد تا بدین ترتیب جنبش عمومی تحت رهبری پرولتاریا آگاه و انقلابی قرار گیرد، طبقه کارگر قادر نخواهد بود در اقتصاب عمومی نقش رهبر، پیشاهنگ و راهنما را ایفا نماید.

تجربه اقتصاب عمومی سال ۷ و نشان داد که از آنجائیکه جنبش آگاه پرولتاریا فاقد آن ملزومات ضروری جهت ایفای این وظیفه تاریخی بود، نتوانست نقش راهنما، پیشاهنگ و رهبری جنبش عمومی را بعهده گیرد.

امروز که مبارزات خود بخودی کارگران زمینه های مناسب تری را جهت پیوند به طبقه ایجاد نموده است، پیشاهنگ قادر است که با تکیه بر فعالتهای عمومی خود و نیز از طریق هسته های سرخ کارخانه ضمن شرکت در مبارزات کارگران به تبلیغ و ترویج آگاهی های دموکراتیک - سوسیالیستی در میان طبقه بپردازد و ضمن مشترک مبارزات کارگران را برجسته نماید و از این طریق بوسیله بردن آگاهی به درون طبقه وسعت و وحدت میدهد. مبارزات آنان جنبش طبقه را در راستای دستیابی به شعارهای انقلابی و ضمیمه مبارزه که چهارچوب آن در برنامه عمل سازمان روشن گشته رهنمون شوند و بدین وسیله مبارزات برانگیزه را به مبارزات متحد و منجم طبقه کارگر علیه به روزواری و حکومت جمهوری اسلامی ارتقا دهد. در راستای این وظیفه کمیته های مخفی اقتصاب با سازماندهی کارگران پیشرو و در خود و در ارتباط با کمیته های مخفی مقاومت، رهبری مبارزات کتونی را در راستای ارتقا آن به اقتصاب عمومی و قیام عهده دار میباشند. آن ضمنی مشترک که تمامی کارگران را در یک طبقه واحد متشکل نموده است ایجاد مینماید که این متشکل - های منفرد و انقلابی، کمیته های مخفی اقتصاب، جهت رهبری سراسری و واحد اقتصاب عمومی در ارتباط با یکدیگر قرار گیرند.

اگر سازمان پیشاهنگ پرولتاریا به ارک لازم را برای اقتصاب عمومی دیده باشد و خود را از هر نظر چه تئوریک - سیاسی و چه عملی آماده نموده باشد قادر خواهد بود از

در راستای . . .

بقیه از صفحه ۱۰

اقتصاب عمومی سیاسی بعنوان ابزاری نیرومند و انقلابی جهت تبلیغ و ترویج برنامه سیاست پرولتاریا استفاده نماید. اقتصاب عمومی سیاسی امکان میدهد که مصلحتین و مرجعین پرولتاریا با مهمترین اقتدار کارگران و - زحمتکشان شود و های انقلابی تماس حاصل نمایند و با رفتن بحیان آنان در طی یک اقتصاب عمومی شعارها برنامه پرولتاریا که تنها برنامه انقلابی است را تبلیغ و ترویج نماید.

اگر چشم انداز اقتصاب عمومی و قیامی مجدد در هر روز بیشتر از روز پیش ضرورت عینی خویش را به اثبات میرساند اگر سخن از تدارک همه جانبه جهت رهبری پرولتاریا در یک اقتصاب عمومی و قیام مطرح است، نمیتوان در این مرحله که مبارزات در سطحی برانگیزه و خود بخودی قرار دارد دست دراز دست گذاشت و به انتظار برای اقتصاب عمومی ماند، مرحله کنونی جنبش جزئی از آن "جریان بی وقته" ای است که به انقلاب ضحیر خواهد گشت. باید بدقت از طریق شرکت در مبارزات کنونی کارگران ضمنی مبارزاتشان را مورد بررسی قرار دهیم و باید آگاهی های سوسیالیستی برنامه پرولتاریا در انقلاب به درون طبقه برده شود، باید شعارهای صحیح مبارزه در دسترس کارگران شود و های انقلابی قرار گیرد، باید سازماندهی رهبری اقتصاب عمومی از هم اکنون از طریق تشکیل کمیته های مخفی اقتصاب و مقاومت آغاز گردد. باید هسته های تبلیغی سازمان از هم اکنون خود را جهت تبلیغ در یک اقتصاب عمومی آماده نمایند. پرولتاریا وظیفه ای بس خطیر در قبال اقتصاب عمومی بعهده دارد. وظیفه ای که بیرونی جنبش و کسب رهبری انقلاب تنها از طریق انجام هر چه دقیق تر و هوشیارانه تر این وظیفه است که تضمین میگردد.

حدودیت اقتصاب عمومی

هنگامی که اقتصابات در میان کارگران فراگیر میگردد، برخی از کارگران (علاوه بر تعدادی از سوسیالیستها) به این عقیده میرسند که طبقه کارگر میتواند خود را تنها به اقتصابات، ضدوق های اقتصاب و یاد دیگر تشکیلهای اقتصابی محدود نماید، که طبقه کارگر میتواند به بسبب قابل ملاحظه ای در شرایط زندگی و یا حتی آزادی خویش تنها از طریق اقتصابات دست یابد، هنگامیکه آنها بیبند چه قدرتی در طبقه کارگر متحد و یا حتی اقتصابات بقیه در صفحه ۱۲

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران

میکنند طبقه کارگر میبایست تنها یک لغت  
عمومی در سازمان کشور را سازمان دهد تا  
کارگران هر آنچه از سرمایه داران و حکومت  
میخواهند بدست آورند... این یک تصور  
باطل است (لنین، درباره لغت‌های)

### در راستای...

بقیه از صفحه ۱۱

سازندگان هم مجبور میشوند که انقلاب  
را بر سرست بشناسند. برای پیشی گرفتن  
از انقلاب، توقف و نابودی آن، اشکالی از  
جایزات بالفعل نود هارائید کنند تا  
سپس بتوانند بران سوار شوند. کسر  
بهره‌واری ایران در سال ۷۲ انقلاب را سه  
رسبت ساخت؟ یعنی گرشاه صدای  
انقلاب را شنید ۳ فدای انقلاب خارج از  
قدرت سیاسی همیشه از آنرو به جنبش  
انقلابی شروع شده توده حاصل میشود  
که از انطرفی درجهان زمین بر سر تقسیم  
قدرت سیاسی کله سنگین تو را از آن خود  
سازد. زیرا که قدرت سیاسی را از آنرو  
میخواهد که بتواند با توصل به ماشین  
سرکوب دولتی تضییع های لازم را جهت  
خاموشی خاص غرض بدست آورد و هیچ  
روی خواهان پایان دادن به فقر و فلاکت  
اختناق و سرکوب کارگران و زحمتکشان  
نمیباشد. از همین رو نیز وقتی که لغت  
عمومی سیاسی بر خلاف نمایش بانبری  
یازد دارند و این برپا میشود و به شناسایی  
آن ناچار میگردد. از آنجائیکه خافضش  
در کروی حفظ و ترجمه ماشین دولتی و منطبق  
کردن آن با منافضش میباشد. با لغت  
عمومی سیاسی بنابه یک شکل مستقل  
می اندیند.

ولیکن جنبش پرولتاریای آگاه در درونانی  
که نقش شرفی بهره‌واری به نقش ارتجاعی  
بدل گشته و طبقه کارگر در تارک آن قرار  
گرفته و از آنجائیکه پرولتاریا بر عکس  
بهره‌واری نمیتواند صرفاً به انتقال قدرت  
سیاسی از دست به دست دیگر اکتفا نماید  
بدون اینکه ارگانهای اقتدار توده ای -  
خود را بر سرانه های ماشین دولتی در افان  
شده و استوار گردانند نمیتواند به لغت  
عمومی بنابه یک شکل مستقل مبارزه بنگرد  
شکلی که از آن طریق میتواند به بهبود  
قابل ملاحظه ای در شرایط زندگی و نجاتی  
آزادی خویش دست یابد!

لنین در جمعیندی از نقش لغت  
عمومی میگوید که... جنبش دسایر سرکوب  
برای العین نشان داد که در ان لغت  
هنگامی، بنابه شکل مستقل و عمدتاً

مبارزه سیری شده است و جنبش بانبرونی  
خود بخودی و مقاومت ناپذیر این را اثر  
معد و درای شکست و شکل عالی تر مبارزه یعنی  
قیام را بوجود می آورد. (در سهای قیام  
مکرو). امروز هنگامی که نیروی سخین از  
لغت عمومی بمان می آورد بدین اینکه  
فرارونی اجتناب ناپذیر برای قیام اشکار  
سازد و ملایر جهت تدارک آن اقدام نماید  
در واقع و نهایتاً مبارزه توده هارائید

این تصور باطل تاکنون بارها در جریان  
مبارزات جنبانی پرولتاریا به ثبوت رسیده  
است. تجربه سال ۷۲ نیز تائید مجددی  
بود بر این تصور باطل. تائیدی بود بر  
نقش بسیار اهمیت لغت عمومی در سطح  
توده ها، در فلج کردن قدرت دولتی و در  
حیث کب آگاهی های سیاسی توسط  
توده های ملیونی. اما در عین حال از  
لغت عمومی سال ۷۲ همی از یک پروسه  
رشد یابنده و عناصر جدیدی را در جهت  
پیشبرد انقلاب نمیتوانست در آید. و  
از اینرو توده هایتدر هیچ در عمل مبارزاتی به  
معدودیت این ابزار مهم مبارزاتی در  
سرنگونی رژیم شاهنشاهی می بریند.  
رهبران، رهبران، مارا صلح کنید.  
ندای قیام بود که از دل لغت عمومی  
بر می خاست.

در مجموع لغت عمومی در نظر  
پرولتاریای آگاه سازمان یافته و صلح به  
تئوری انقلابی چیزی جز تدارکی همه جانبه  
برای جنگی نهائی نمی باشد. پرولتاریای  
آگاه در یک لغت عمومی با آن دید قدم  
میگذارد که بارهبری، راهنمایی و مشاوره  
خویش در وهله اول صفوف مستقل پرولتاریا  
را تسخیر نماید و بارهبری جنبش عمومی دیگر  
اقتدار انقلابی را بخود ملحق نموده و هرگاه  
غرض را بمان آنها تبلیغ و ترویج نموده و  
نمای تدارکات سیاسی نظامی لازم را  
برای قیام مهیا نماید. از اینرو رهبری لغت  
عمومی در حقیقت حرف آخر پرولتاریا در  
برخورد با نظام موجود نیست بلکه پروسه ای  
است جهت کسب آمادگی برای نبرد  
نهائی و تهر آمیز. تجربه نشان داده -  
است که "اتکا" صرف به لغت عمومی  
تقریباً در هموار به شکست محکوم شده  
است، دلیل اساسی این روشن است:  
توقف هر اندازه هم ابعادش گسترده باشد  
باجایگزینی یک نظام اجتماعی توسط  
نظام دیگر بر این نیست. هنگامی که ضمون  
انقلابی جنبش ضرورت جایگزینی نظام  
اجتماعی نوینی را بجای نظام موجود میطلبد  
صرف فلج شدن ماشین دولتی که ناشی از  
اج لغت عمومی سیاسی است کافی نیست  
و انتقال به مرحله بالاتر را جهت پاسخگویی  
بضرورت عینی جنبش میطلبد. ضرورت عینی  
جنبش ایجاد مینماید که جهت دستیابی  
به نتایج قطعی، لغت عمومی بقیام  
قهرآمیز و مسلحانه توده ای فرارود. این  
استان خط سرخی به کارگران و زحمتکشان  
انقلابی در اج لغت عمومی بدان منوال  
میگردند.

زمانیکه تک جنبشهای انقلابی بی وقفه  
تراکم میشود و انقلاب در میگیرد، بهره‌واری و

تحمل بالا جمار بهره‌واری تسلیم میدهد.

فدای انقلاب بالاخره در مرحله ای از  
تکامل جنبش انقلابی، انقلاب را بر سرست  
خواهد شناخت و از اشکالی از مبارزات موجود  
توده هایتناچار دفاع خواهد کرد. جز این  
سند حکومت خود را نوشته است. ایضا  
برای فدا انقلاب (حد اکثر با اجبار) آن  
اشکال مبارزاتی قابل تحمل است که به  
دافان شدن دستگاه دولتی در اثر تقسیم  
سلحانه توده هایتدر توده ای بنیاد، گنه  
ارگانهای اقتدار توده ای بنیاد، گنه  
توده هایتدر وسیله ای باشند برای قبضه  
قدرت سیاسی، که جنبش انقلابی حتی -  
المقدور در محدودی ای اسیر ماند که به  
"ارتقا" آگاهی و مطالبات انقلابی و بالاخره  
به قدرت توده هایتدر توده هایتدر  
بر مبارزات توده هایتدر، هایتدر قدرتی بالا برای  
سرکوب توده ها، این آخرین کلام  
بهره‌واری است. نیاز به زکرمونه های  
تاریخی نیست، فدا انقلاب مخلوب  
(سلطنت طلبان و...) حتی و حاضر  
است. به توده هایتدر هایتدر، برای  
مبارزات "مطلوب" آنان (مطلوب بنابه  
اهدای خود) هایتدر، از آزادی سخن  
میگوید، و... یعنی جنبش را بر سرست  
می شناسد. بران لم میدهد تا از بالا حتی  
بصورت سلحانه قدرت را قبضه کند.

بالاخره بهره‌واری هم به سلحانه دست  
صیرد، اما برای تصفیه حساب درونی و بیجا  
سرکوب توده ها، امانه تنها توده هایتدر  
مبارزه سلحانه به برپائی قیام سلحانه  
بر علیه رژیم جمهوری اسلامی تشییق خواهد  
کرد، که در مقابل آن خواهد ایستاد. مرز  
نهائی تحمل فدا انقلاب از مبارزات توده -  
هایتدر قیام سلحانه است. از آن فراتر نرود  
اینجا مرزی است که منافع فدا انقلاب مخلوب  
با رژیم - در عین تضاد - بهم گره میخورد.

براین اساس شعار: "رژیم جمهوری

اسلامی را باید بایک لغت عمومی سیاسی و

قیام سلحانه برانداخت" نه تنها بر علیه

رژیم جمهوری اسلامی که بر علیه ضد

انقلاب بطور کلی است.

رفقا! هواداران!

برنامه عمل سازمان را بهر طریق ممکن  
بمان توده هایتدر، فعالیت تبلیغی  
خود را گسترش دهید و به تبلیغ برنامه  
عمل سازمان بپردازید.



## عملیات قهرمانانه پیشمرگان

# سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران و پیشمرگان حزب دمکرات کردستان ایران علیه مزدوران جمهوری اسلامی

۸ مه‌رماه : عملیات کین مشترک در جاده سقز - بانه

بعد از ظهر روز هشتم مه‌رماه یک دسته از پیشمرگان قهرمان فدائی با همکاری دسته ای از پیشمرگان نیروی شهید عزیز یوسفی وابسته به حزب دمکرات کردستان در فاصله روستاهای کیله شین و قوره دره بر سر جاده سقز - بانه بکین مزدوران دشمن نشستند . در ساعت ۳ بعد از ظهر تعدادی از مزدوران گشتی دشمن به کین پیشمرگان افتادند . آتش متمرکز سلاحهای رزمندگان خلق آنچنان بر سردشمنان آزادی - باریدن گرفت که امکان عکس العمل را از آنان سلب نمود . در این بخش از عملیات غافلگیرانه دو نفر از مزدوران کشته و دو نفر دیگر به اسارت رزمندگان خلق درآمدند .

پیشمرگان بعد از این یورش برق آسا با توجه به شناسائی قبلی جهت بدام انداختن نیروهای کمکی که از پایگاههای میزبانه و کیله شین به منطقه عملیات اعزام می شدند ، استقرار یافتند . افراد دشمن بگمان آنکه پیشمرگان بعد از ضربه مذکور سریعاً منطقه را ترک خواهند کرد ، قبل از فرا رسیدن شب به قصد ضربه زدن به آنان از هر طرف بسوی منطقه عملیات سرازیر شدند . دیری نپائید که نیروهای قهرمان خلق ، پیشمرگان دلیر کردستان ، رزمندگان فدائی و دمکرات در جبهه ای بوسعت نزدیک به سه کیلومتر با نیروهای تازه نفرودشمن درگیر شدند .

در اولین لحظات نبرد ، پیشمرگان یک لندرور دشمن را با رگبار مسلسل‌های خود از حرکت باز داشتند و یک آیفای حامل ۸ مزدور دشمن را منهدم کردند . نبرد بشدت از هر سو بالا گرفت . مقاومت دلیرانه و متحد قهرمانان فدائی و دمکرات در برابر تلاش مذبحخانه مزدوران ، که بقصد محاصره پیشمرگان از هر سو بسیج شده بودند آنچنان دشمن را به وحشت انداخته بود که بی هدف به اطراف خود شلیک میکردند . جریان این عملیات قهرمانانه توسط مسافران که ماشینهای آنها بعلت درگیری در دو طرف جاده سقز بانه متوقف شده بود مشتاقانه نظاره میشد .

بعد از ۴ ساعت در حالیکه بیش از ۳۳ نفر از مزدوران کشته و زخمی شده بودند افراد باقیمانده نیروی دشمن ناچاراً به لانه های خود فرار نمودند .

پیشمرگان رزمند ، با فریادهای پیروز باد خلق ، مرگ بر خمینی و دیگر شعارهای انقلابی به جمع آوری غنائم پرداختند سپس با نظم انقلابی صحنه درگیری را ترک و به روستاهای اطراف عقب نشینی نمودند که با استقبال گرم و پر شور روستائیان زحمتکش روبرو شدند .

در این عملیات یکی از پیشمرگان حزب دمکرات کردستان زخم سطحی برداشت .

غنائم بدست آمده در این عملیات بشرح زیر است :

۱- تفنگ ژ - ۳      ۲ قبضه      ۲- خشاب ژ - ۲      ۱۰ عدد

اسامی افراد دشمن که بدست پیشمرگان اسیر شدند عبارت است از : ۱- محمد پور مهدی ۲- غلامرضا حسن زاده .



درهم شکسته شد

صبح ۹ مهرماه : بدنبال عملیات قهرمانانه درروز پیش نیروهای مزدور دشمن بقصد انتقام گرفتن از زحمتکشان روستاهای اطراف منطقه درگیری روز گذشته که با شادی، از فرزندان دلیر خود استقبال کرده بودند همزمان از چند پایگاه به سمت روستاهای کرویان - پیر عمران و قلقله یورش آوردند .  
پیشمرگان هشیار که منتظر چنین واکنشی از سوی دشمن زبون بودند، از همان ساعت‌های اولیه بامداد به کمین مزدوران نشستند . ساعت ۶ بامداد اولین دسته مزدوران در منطقه اطراف روستای پیر عمران و کرویان به کمین پیشمرگان افتادند .

پیشمرگان قهرمان سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران و پیشمرگان دلیر حزب دمکرات کردستان ایران و دسته ای از پیشمرگان فدائکار "چریک‌های فدائی خلق ایران" با مقاومت یکپارچه و دلیرانه خود طی یک نبرد سه ساعته تهاجم گسترده رژیم را درهم شکستند و نیروهای مزدور جمهوری اسلامی مرکب از ارتش، پاسداران و بسیج ضد خلقی و جاش‌های خود فروخته محلی را در حالیکه بیش از ۵۰ کشته و زخمی داده بودند مجبور به عقب نشینی کردند .

دشمن شکست خورد ، آنچنان خود را باخته بود که حتی قادر به جمع‌آوری اجساد مزدوران نبوده تعدادی از آنها را در میدان نبرد باقی گذاشت که از میان آنها اجساد سه تن از مزدوران به نام‌های :  
۱- علی سلیمی از گروهان نور پاسدار ۲- علی عسگری پاسدار ۳- حسین حسینی جاش از آبادی هزارکانیان توسط پیشمرگان مورد شناسائی واقع شدند .  
در این عملیات قهرمانانه یک قبضه دوشکای دشمن منهدم گردید .  
غنائم بدست آمده طبق اطلاعات رسیده بشرح زیر است :

- ۱- ماشین دو دیفر یک دستگاه ۲- گوله دوشکا ۶۰۰۰ عدد ۳- تفنگ ژ - ۳ ۲ قبضه
- ۴- تفنگ کلاشینکف ۱ قبضه ۵- یک کوله پستی دارو ۶- کاپشن آمریکائی ۲ عدد

متأسفانه در این درگیری حماسی یکی از رفیقان ما ، پیشمرک قهرمان فدائی ، رفیق مصطفی رسولی اهل میره سقز در راه سرخ فدائی ، در راه سویالیسم ، راه رهایی کارگران و زحمتکشان ایران و در خدمت جنبش انقلابی - دمکراتیک خلق کرد بشهادت رسید و باخون خود سنگر انقلاب و آزادی را رنگین تر ساخت .  
همچنین در این درگیری یک پیشمرک قهرمان حزب دمکرات و نیز یک پیشمرک دلیر از سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران زخمی شدند .

شاخه کردستان سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران ضمن گرامیداشت یاد پر شکوه این رفیق قهرمان ، این سمبل مبارزه جوئی و وفاداری به آرمان کارگران و زحمتکشان بر ضرورت همکاری هر چه گسترده تر نیروهای انقلابی در برابر رژیم خونخوار جمهوری اسلامی تاکید میوزد .

هر چه مستحکم تر باد اتحاد عمل نیروهای انقلابی علیه رژیم جمهوری اسلامی پیروز باد مبارزه قهرمانانه خلق کورد  
مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی  
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران - شاخه کردستان



گرامی باد

یاد فدائی شهید

رفیق محمد کس برای



کارگران! زحمتکشان! ایباخیزید!

برطبق آمار دولتی "تعداد افراد بی سرپرست و مستمند در سال ۶۱ بالغ بر ۷۲۲۲۳۷۳۲۳۷۳ (دوازده میلیون و سیصد و هفتاد و سه هزار و هفتصد و بیست و دو و نمنس) بوده ((کمپان ۲/۵۱ نقل از معاون وزارت بهزیستی)) این فقط گوشه‌ای از بدبختی‌ها و سیه روزی ناشی است که حکومت تجار و سرماییداران آنرا به ارمغان آورده است.

(( برای نجات از اینهمه فقر و بدبختی چه باید کرد ؟ ))

با تکیه به خمس و ذکات و نذر و نذورات سرماییداران و تجار جمهوری اسلامی نمی‌توان بیش از ۱۲ میلیون نفر بی سرپرست و نیازمند کمک و بیش از ۲ میلیون نفر آواره جنگی را، روستامان داد.

دم میهنان مبارز: هیچ معجزه‌ای در کار نیست.

بپا خیزید! در کمیته‌های مخفی اعتصاب و هسته‌های مقاومت محلی متشکل شوید تا جمهوری اسلامی را سرنگون کرده و بر ویرانه‌های آن جمهوری دموکراتیک خلق (جمهوری دموکراتیک انقلابی کارگران و سایر زحمتکشان) را برقرار سازیم.

فرگ بر رژیم جمهوری اسلامی

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران - کمیته کارگری شمال و آذربایجان ۶۲/۶/۲۰



جاودان باد خاطره فدایی شهید

پیشمرگ قهرمان رفیق مصطفی رسولی



شهادت قهرمانانه پیشمرگ دلیر خلق کرد، رفیق مصطفی رسولی، حماسه‌ای دیگر بر انبوه جانبازیها و ایثار فدائیان خلق، این فرزندان راستین کارگران و زحمتکشان افزود و نام رفیق مصطفی را در شمار فدائیان پر شمار راه رهایی کارگران و زحمتکشان و خلقهای ستمدیده در سینه خونین سازمان ما به ثبت رسانید.

نامش جاوید و راهش پرهرو باد

سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران - شاخه کردستان

۶۲ / ۷ / ۱۳

بخشند. این نتیجه محتوم  
اتلاف مجاهدین با بوزواری لیبرال است.  
این نتیجه محتوم پذیرش برنامه بسوزوا  
سرفرمیستی و شیوه های کسب قدرت از -  
بالا است. و آنچه که گفتیم ریشه های  
مقابله جوی فیر اصولی مجاهدین با  
سازمان ماسه .

اماحال بهینیم چرا آقای سامع که  
مجاهدین با عنوان گادب و راکارانه  
پرسابقه ترین عضو کینه مرکزی سازمان .  
ایشان را متفخر کرده اند ( مجاهدین هم  
میدانند چگونه امتیازند هند! ) ، در نامه  
خود به " برادر رجویی " به تعریف مواضع  
سازمان سپرد از آقای سامع برای اینکه  
نقطه شروع عقد مودت با بوزواری به  
وساطت خرد و بوزواری بیشتر مدانی -  
ضد پیش خوش آمد به یک تقلب خیلسی  
کمیولو دست زده است و علت اخراج خود  
را " خشم و غضب ! رهبری گرایش سکتاریستی "  
بعلم مخالفت نامبرده با درج مقاله  
در راه بیشتر میبودند دارد " قلمداد کرده -  
استه انهم " برخلاف اسانامه ( ایمن  
در وی قابل لغراض است چون ممکن است  
آقای سامع بهنگام نوشتن نامه به برادر  
رجویی در پاپس اسانامه سازمان را به همراه  
نداشته است ) . و اما دلایل اخراج را که  
یک کمی (!) با آنچه آقای سامع اینسراز  
کرده اند ، متفاوت است ، عیناً از گزارش -  
کمیته مرکزی سازمان به تشکیلات در اینجا  
نگرمی کنیم : " کمیته مرکزی سازمان طوسی  
ششستفرد از ماه ۶۲ در زمینه رسیدگی به  
باسامانیهای حاکم بر شاخه کردستان و  
فلس مشول شاخه ( بیژن ) بعلم ز سر  
۱- عدول از خط ایدئولوژیک سیاسی  
و تشکیلاتی سازمان ، ۲- رهبری خط  
لیبرالیستی حاکم بر شاخه ، ۳- تصفیه  
فنا بر مخالف خط شی حاکم بر شاخه ،  
۴- رامن زدن به رقابتهای ناسالم بهین  
نیپاگه ضربه از هم پاشیدگی و ضربت  
وارد آمدن به تشکیلات شده ، ۵- خلع  
سلاح خود سران گروه هرزگان ، ۶- عدول  
از تصمیمات متحد و کمیسیون در دیماه ۶۱ ،  
۷- ایجاد دسته بندی و گروه بندی در  
شاخه ، ۸- بی توجهی در رابطه با حفظ  
بیکبندی سلاحهای سازمان ، ۹- عدم  
پذیرش اعتباهات و انحرافات گذشته  
و یافتاری بر مواضع گذشته خود ، ۱۰ -  
رفتار نادرست و فقدان اخلاق کومنیستی و  
تصمیمات زبر اتخاذه منماید : الف - عدم  
حلاحت در کمیته مرکزی سازمان ، ب - عدم  
حلاحت در مسئولیت شاخه ، ج - لغو  
عضویت از سازمان " . نعاونت اندکی است و  
اینگونه نیست ! ؟

آقای سامع در همین اولین نامه خود  
بیضج نشان داد که استعدادشگرفی در  
کارگیری سبک کار مجاهدین ، که قبلاً علل  
آزاد برسی کردیم ، داراست . وی با تعریف

در مورد علت اخراج خود از سازمان که فوقاً  
به آن اشاره کردیم ، مدعی است که " عملاً  
سیاستهای آنارشیستی و سکتاریستی " بر  
سازمان حاکم است و بر خیرد های سازمان -  
" با اصول اساسی مارکسیسم - لنینیسم نیز  
در تضاد میباشد " و از این رو خود را ملزم میداند  
که " بنظیر دفاع از حریم اصولی و انقلابی "  
سازمان طی نامه های بعدی به برادر رجویی  
درین خود را اد اتیاید . " واژه ها " بر اساس  
مواضع طبقاتی معنای خاص خود را دارند ، و  
از این قرار است مفهوم واژه ها در نزد آقای  
سامع ، راستش مادرست ضحیه نشدیم که  
منظور آقای سامع از حاکمیت آنارشیسم ،  
البته بجز در کردستان بهنگام مسئولیت  
ایشان ، چیست ؟ شاید شیوه کسب قدرت  
از طریق اغتصاب عمومی سیاسی و فساد  
ثروه ها را سازماندهی نمود ، و از طریق  
لخته های مخفی اغتصاب بقاوت را در نظر  
دارد ؟ و شاید هم خورد کردن ماشین  
در وقت بوزواری را که در برنامه ماضعش است  
آنارشیستی می پندارد ؟ و در اینصورت بنا  
کمال خضوع باید اعتراض کرد که بله با  
معنای فوق ما " آنارشیست هستیم ! اما  
معنای " سیاستهای سکتاریستی " منظور  
نظر آقای سامع برای ما کاملاً روشن است :  
سیاستهای سکتاریستی یعنی سیاستهایی  
که بر لزوم مرز بندی بین طبقات و افترا ناکند  
دارد و بر ضافع پروتاریا پای می نشرد . و در  
پیش سیاستهای غیر سکتاریستی ( مطلوب  
آقای سامع ) یعنی آن سیاستهایی که مرز  
بین طبقات را خدوش کرده و اتحاد بین  
پروتاریا و بوزواری را ( البته نه هر بوزواری  
بلکه آن بخشی که خرد و بوزواری مطلوب  
در اتحاد با وی بر میورد ) طلب میکند .  
" همه با هم " به پیش بسوی سازش طبقاتی  
برای زدودن سیاستهای سکتاریستی  
حاکم بر سازمان ! شعار د لیدری است  
آقای سامع ، اینطور نیست ؟

آقای سامع با هاهوی بسیار از  
" آنارشیسم و سکتاریسم " موهوم حاکم بر  
سازمان می گوید و به آنارشیسم و سکتاریسم  
مجاهدین پناه میدهد ، و هنوز عرق راهش  
خشک نشده در دام ( واقعات در دام رسا  
همراه ؟ ) سکتاریسم مجاهدین میخواهد  
از " حریم اصولی و انقلابی " سازمان دفاع  
نماید . و حتماً بر طبق " اصول اساسی  
مارکسیسم - لنینیسم " . اما بر اسی چه -  
تراستی در این " اصول مارکسیستی -  
لنینیستی " آقای سامع با اصول مجاهدین !  
اگر آقای سامع ترهات ذهنی خود را به  
مثابه اصول سازمان نمی پنداشت و در این  
مورد کمی منصف می بود که این اراده منصف  
تشکیلات است که از طریق بالاترین مرجع  
سازمان ، یعنی کنگره ، " حریم اصولی و  
انقلابی " سازمان را مشخص و قابل دفاع  
میکرد ، آنگاه دیگر برای دفاع از این

### سبک کار . . .

بقیه از صفحه ۶

حریم اصولی و انقلابی " بهراجع بوزواری و  
خرد و بوزواری شکایت نمود و به آنها  
پناهنده نمی شد ، به تشکیلات مراجعه  
میکرد و تخطی " رهبری گرایش سکتاریستی "  
را از " حریم اصولی و انقلابی " در تشکیلات  
افشا " و طرد میکرد . اما آقای سامع نمیتواند  
به تشکیلات مراجعه کند ، چون تشکیلات  
قبلاً رکنگه جواب خود را بصورت قطعنامه  
- های کنگره ضلوه کرده است و آقای سامع  
بخشی از چند بیون آن یا خبر است . اگر  
صوات کنگره از آنچه که آقای سامع " اصول  
اساسی مارکسیسم - لنینیسم " مینامند  
انحراف داشته و بالاتر از آن " آنارشیستی و  
سکتاریستی " بوده است ، وی یا مثابه یک  
انقلابی کومنیست میبایست از زمین سازمانی  
خارج میشد و با بر طبق موازین سائترالیسم  
در کراتیک ، بنابر " اصول اساسی مارکسیسم  
- لنینیسم " ، ضمن پیشبرد موازین و  
سیاستهای سازمان برای بر طرف کردن  
" انحرافات " بسیار ز ایدئولوژیک سپرداخت  
آقای سامع سازمان را ترک نکرد ولی " بر  
خلاف برنسیسهای انقلابی وضو ا بسط  
سازمان " نه تنهاحتی یک نوشته بر امون  
مواضع عقیدتی خود به تشکیلات ارائه  
نداد ، بلکه در زمینه ایدئولوژیک و سیاسی  
و تشکیلاتی به پیشبرد خطی ضایر با خط  
کنگره در شاخه کردستان پرداخت . اگر در  
کنگزه مسئله بروی به " شورای ملی بقاوت "  
قاطعانه رد شد آقای سامع سعی میکرد با  
کشاندن تشکیلات شاخه بزیر پرچم حزب  
دکرات عملا و بطور غیر مستقیم سازمان را به  
دنباله روی از بوزواری بکشد . تحت  
پوشش دکراتیک بودن تشکیلات شاخه  
لیبرالیسم ناب را بر شاخه حاکم گردانید و  
زمانیکه بخش وسیعی از فقای شاخه بمقابله  
با سیاستهای انحرافی امرخواستند با  
تصفیه بهترین رفقا تحت پوشش گرایشات  
سکتاریستی تلاش میکرد عملاً بر خلاف  
مواضع کنگره تشکیلات کردستان را بطور کلی  
په یک تشکیلات بوزواری تبدیل کند . در  
پلنوم هنگامیکه مسئولین تشکیلات بانتقاد  
اشکار از وضعیت شاخه برخاستند و مرکزیت  
سازمان نیز سیاست حاکم بر شاخه را بر خلاف  
موازین سازمان تشخیص داد و کمیسیون  
صوه بررسی وضعیت شاخه انتقادات اساسی  
به مشول شاخه وارد داشت مسئله لغو  
مسئولیت وی مطرح گردید اما ما باید پیش  
انتقادات ، قول داد تا وضعیت شاخه را  
سرو سامان بخشد و سیاست سازمان را در  
کردستان بیاره کند اما این فرصت نیز  
موزنیفتاد

بقیه در صفحه ۱۱

## کمیته های مخفی مقاومت را باید در کور شهر و روستا ایجاد کنیم



### سبک کار...

بقیه از صفحه ۱۳

میکنند شاید آقای سماع اعتقاد بر این دارد که وزن مخصوص بنی مدری هاد در مقایسه با سبک کار...  
 مجاهدین در شورای ملی مقاومت اصلا اهمیت ندارد و از اهمیت بسیار بسیار جزئی که قابل صرف نظر کردن است برخوردار است! و در این صورت چون وزن مخصوص بنی مدری هاد در شورای ملی مقاومت در سطح نازل قرار دارد، بنابراین مجوز و آزادی لیبرال در اقلیت مطلق فیزیکی قرار دارد که در موقع ضروری اگر فرض کنیم که چنین اندیشه‌های در ذهن آقای سماع و احتمال می‌شود است، بالاخره فرض محال که محال نیست می‌توان به یک غرب این وزن مخصوص را از سبک کار کرد! درک فیزیکی از اتحاد طبقات به وزن مخصوص عناصر حرکت کننده در تشکیلات میسر آید و بر اساس سبک و سنگینی وزن مخصوص طبقات ماهیت تشکیلات را مشخص می‌کند. برای این سبک کار کارگزاران (استش هم بد نیست!) بنا بر نسبت وزن مخصوص مجوز و آزادی به پروتاریا جزئی پروتاریا بحساب می‌آید.

خط مشی و برنامه شورای ملی مقاومت مجوز و آزادی - رفرمیت است و با وجود بنی مدری هاد "شما" و باید وزن و سبک آنها (البته حدی بنی مدری هاد از شما) زمینه‌های لازم را برای حذف برنامه مجوز و آزادی رفرمیت فراهم می‌کند، ولی الزامات می‌تواند چنین نشود. برنامه شورای ملی مقاومت برنامه اتحاد مجاهدین است با مجوز و آزادی و بنویسیم مجوز و آزادی. مجاهدین با توجه به وزن مخصوصشان در شورای ملی مقاومت که جبری این برنامه باشند، خود به مجوز و آزادی بنابر این برجم جذب کنند و گسترگی و توان خود به مجوز و آزادی را در جهت استقرار جمهوری دگر تاتیک اسلامی شورای ملی مقاومت بکار گیرند. و ما ملین مجوز و آزادی و خود به مجوز و آزادی درون جنبش کمونیستی نیز رسالت دارند که در ذهن پروتاریا بوده و هارا خراب کرده و آنها را تحت رهبری مجوز و آزادی قرار دهند. اتحاد طبقاتی شورای ملی مقاومت یعنی همین الفاظ برزق برقی، هیاهو بر این سیاستهای آنا رشیستی و سکاریتی، اسفای زدی لانه در سکاره "دفاع از حریم اصلی و انقلابی" و تحریف "های خائنانه همه و همه، تنها در جهت شاطه گری این رسالت است.

آقای سماع و مجاهدین (که جای خود را دارد) با درک پیرو بلینی و فیزیکی از اتحاد عمل طبقات و در مورد مفهوم "ملاش" کردن شورای ملی مقاومت "نیز همان درک فیزیکی (و اینجا از آقای سماع با نارسایی) ربه نایش می‌گذاردند. "ملاش کردن" شورای ملی مقاومت را بمعنای درب و دلفان کردن هر نیروی سیاسی و از جمله سازمان

از آن رو که مهدی سماع بنا بر موضع طبقاتی خود نمیتوانست پیش برنده سیاستهای انقلابی سازمان باشد و ادامه مسئولیت او و اعمال همان سیاستهای پیشین موجب ضربات اساسی بر پیکر شاهگردستان گردید و سرانجام وی غیر قابل اصلاح تشخیص داده شد و اخراج گردید. او که در پیبرد سیاستهای خود جنی بر کشاندن سازمان به شورای باصطلاح مقاومت ما بر سر شده بود مشاهده کرد که دیگر در جنبش کمونیستی جایی ندارد این نغمه نوم را سرد کرده "چون جنبش کمونیستی ضعیف است باید از کانسال سازمانهای "دگر تات" مبارزه را ادامه داد! اما بدنیال پنهانند که مجوز و آزادی کجا سر مبارزه اش با لکل تفسیر یافته است. و اینگونه است "دفاع از حریم اصلی و انقلابی" سازمان در قاموس آقای سماع و بیرون سازمان جلوه این شیوه بود "دفاع از حریم اصلی و انقلابی" که در حقیقت "دفاع از حریم اصلی و انقلابی" شورای ملی مقاومت درون سبک سازمان مارکسیست - لنینیستی است را که می‌کند به آنا رشیسم و سکاریتی بر سبک شهم می‌شود.

اگر سبک کار آقای سماع بر سبک کار مجاهدین منطبق می‌شود، چه فرقی نیست درک یکسان از مفهوم مبارزه طبقاتی (که عمدتاً همان سازش طبقاتی از آن مشتق است) و آن نوع دولتی که باید برای استقرارش بجای رژیم جمهوری اسلامی مبارزه کرد، صف بندی نیروهای انقلاب و ضد انقلاب، جنگی و ضمن اتحاد های طبقاتی و غیره، خاصین مشترکی را برای انطباق سبک کار ایجاد میکند. درک پیرو بلینی اینتا وسطی گرا از مبارزه طبقاتی (چند گسالت بد یعنی) بالاخره خوب را با سبک در شورای ملی مقاومت باز یابد. اینجا که سرز انقلاب و ضد انقلاب در هم می‌آمیزد و سازش طبقاتی، مجوز و آزادی راه آقا سماعی خامه بر می‌گردد. بالاخره هر کس در انقلاب برای خود رسالتی دارد.

درک پیرو بلینی تنها به اتحاد بطور مطلق می‌اندد، و دیگر طبقات شرکت کننده و ضمن اتحاد عملا بری درجه دوم بی اهمیت تلقی می‌شود. "حریم اصلی و انقلابی" سازمان در مورد صف بندی نیروهای انقلاب و ضد انقلاب شخص و روشن است و قطعنامه صعب گنگره در این باره سراجت کامل دارد که مجوز و آزادی بلا در صف ضد انقلاب جای دارد. اما آیا از نقطه نظر آقای سماع مجوز و آزادی یا جنبشهای از آن در صف انقلاب قرار دارد؟ موضع گیریهای وی در گنگره مشخص است او برخلاف رفقای شرکت کننده در گنگره تمامی اقترا خورده مجوز و آزادی را در صف انقلاب میدانست و پیرو آزادی لیبرال را بعنوان نیروی بینابینی و آن نیروی که باید منفرد شود اعلام میکرد اما نظرا و قاطعانه رد شد. برآستی چه کسی "حریم اصلی و انقلابی" سازمان را در هم

مجاهدین می‌بندد و با جاسوزند و در این باره هماهنگ می‌کنند. از دید سازمان اما تلاشی کردن معنای مشخصی ندارد. با توجه به مرحله کنونی انقلاب جلب خود مجوز و آزادی (لايه های با نهنی و میانی) خبر روستاست اختلاف با پروتاریا، بی طرف گردن لایه های فوقانی خود به مجوز و آزادی و بر علیه مجوز و آزادی. "ملاش کردن" یعنی کار دیگر انقلابی در جهت قطع امید خود به مجوز و آزادی از طریق تبلیغ و ترویج برنامه عمل انقلابی پروتاریا، اتفاق توده ها در عمل مبارزاتی به این برنامه و نشان دادن وسعت عمل و اهداف مجوز و آزادی فیه انقلابی وسیع توده ها و سازماندهی آنها در جهت پیروی قطعی انقلاب. "ملاش کردن" یعنی کار پیرو در جهت جد سازی خود به مجوز و آزادی زیر سبک مجوز و آزادی که خود را با ما سکاریتی ملین می‌آزاید، و در بدین جهت ماسک از سبک به سبک مجوز و آزادی پنهان کردن آن نیز توده ها. بدون این جد سازی، بدون برده برداشتن از نیات مجوز و آزادی انجام صف انقلاب بر علیه ضد انقلاب - نامبر است. "ملاش کردن" یعنی حرکت در جهت انجام صف انقلاب یعنی حرکت در جهت اتحاد کارگران و صنعتگران

آری، ما برای "ملاش کردن" امید های کاذب خود به مجوز و آزادی و امید های مجوز و آزادی، در جهت گسست کامل توده ها از برنامه های رفرمیت و جلب آنها به سمت برنامه انقلابی از هیچ عمل انقلابی فرو گذاری نمی‌کنیم، هم از اینکه مجاهدین در ارگان تحت رهبری مجوز و آزادی باقی بمانند و از آن بگسلند. ما به احزاب و سازمانها بصورت مکانیکی برخورد نمی‌کنیم. از نظر ما اصول حاکم بر سیاست می‌توانند نیروها می‌انقلابی را با لکنیک مبارزه طبقاتی مشخص می‌کند. این برنامه و ملکر احزاب و سازمانها است که نمایندگی اجتماعی ایشان را در هر چه کارزار طبقاتی محک می‌زند و نه تا بلو و سابقه مبارزاتی. اگر بر اساس تا بلو و سابقه سخواتیم احزاب را رقم بزنیم، باید "سپال - سکاریتی" آری و یعنی متحد جهانی شورای ملی مقاومت را اکنون جزه صف انقلاب جهانی بحساب می‌آوردیم (شما چطور آقای سماع؟) اگر خود به مجوز و آزادی سمت پروتاریا تا میل نشان دهد و از اتحاد - و یا میل به اتحاد - سبک مجوز و آزادی) در ارتگرتش جنبش توده ای، بسط انقلاب، تبلیغ، ترویج و عطف کرد نیروهای پروتاریا و... دست بکشد و در اتحاد با پروتاریا قرار گیرد، اتحاد طبقاتی شولملا تلاشی شده است و هم از اینکه سازمان مجاهدین از شوراییرد و سایر. آنگاه، آقای سماع، مجاهدین در شورای ملی مقاومت نماینده کدامند؟ میبیند "اصول اساسی مارکسیسم - لنینیسم" شما چه تحلیل‌هایی "آنا رشیستی" را در مورد تلاشی کردن شورا با زتاب میدهد؟

آقای سماع! نمیتوان زیر پوشش ضعیف اینک مرحله بقیه در صفحه ۱۷





انقلاب ایران دگرگونی است ، علم سازش طبقاتی را برافراشت و صف انقلاب ضد انقلاب را در هم آمیخت . شناخت و ترک این واقعیت که اکنون پروتاریا نمیتواند بینهایتی قدرت سیاسی را تشنه کرده و بدینکامی بلاخانز خودترا برقرار نماید ، نتیجه گره زدن اتحاد نیست . از نقطه نظر پروتاریای آگاه ، اتحاد نیروها سی طبقاتی صف انقلاب که میتواند خود را در اتحاد فی مابین نیروهای سیاسی ضلوع سازد ، دارای ضمن شخصی است که در برنامه حداقل پروتاریا منعکس است . برنامه حداقل پروتاریا ، بیانگر مطالبات و اهدافی است که پروتاریا در ائتلاف با متحدینش قرار میدهد ، یعنی برنامه اتحاد عمل انقلابی تحت رهبری پروتاریا است .

آقای صاحب بادرک خود از مرحله انقلاب و برنامه حداقل ، سازمان را به "انارشیزم و سکا رتیسم" ضمیمه میکند ، چرا که ایشان از مرحله انقلاب دگرگونی رهبری بهروازی را برانقلاب سفید و از این رو پروتاریا را به تمکین از بهروازی فراموشاند .

اما سازمان وظیفه خود میداند که بر اساس حرم اصولی و انقلابی خود ، برنامه حداقل پروتاریا را در میان خود ، هائیلنخ و ترویج نماید ضمن شرکت در مبارزات توده ها و سازماندهی آن مبارزات ، توده ها را حول برنامه حداقل پروتاریا بسیج نماید . یعنی در جهت اتحادی اصولی و انقلابی ، تاکنیکهای شخصی را بابتوجه شرایط معینی و ذهنت توده ها بکار نیندازد . بیساخته

عجاست که تحت شرایطی درجهتت پیشبرد برنامه حداقل و ایجاد شرایط مناسب برای تحقق اتحاد عمل طبقاتی حول برنامه حداقل ، با سایر نیروهای سیاسی ( و البته برواضح است که نه هر نیروی سیاسی ) برینای پلانفرم مبارزاتی مشترک که شامل بخشهایی از برنامه حداقل است وارد اتحاد عمل شود . در همین حال

پلانفرم مبارزاتی نمیتواند ناقص برنامه حداقل باشد ، گاهی است در جهت رفع موانع و راه گشایی برای تبلیغ ترویج و سازماندهی و اتحاد توده ها به پدیسرش برنامه حداقل پروتاریا .

آقای صاحب ، اما ، گوشش به این حرفها بد هکارت نیست . به این مسائل کاری ندارد . چه باک اگر به برنامه شورای ملی مقاومت در تناقض آشکار با برنامه حداقل پروتاریا است ، چه باک اگر که تحت این برنامه اسارت کارگران و زحمتکشان ، جاودانه میشود ، چه باک اگر که با سلطنت آقای سامع و محاهدین بهروازی تطهیر میشود . لابد اینها همه مسائل بی اهمیتی هستند که طرحشان خود نشانه سیاستهای سکا رتیستی است . باشد . اگر مخالفت ما با جمهوری دگرگونی اسلامی شورای ملی مقاومت "سکا رتیسم" است ، باشد . اما نیفتگی شناخت به این جمهوری از چیست ؟ لبرالیزم اسلامی اش و یاد دگرگونی

اسلامی اش ، که امیک شمارا خنوع کرده است ؟

جمهوری دگرگونی اسلامی ، در اساس یک جمهوری لبرالیستی است بارتک و بسوی اسلامی و بارک هائی از دگرگونی ( البته از نوع اسلام راستین ) که در ناریود - لبرالیسم حاکم بر جمهوری شورای ملی مقاومت امیر و کم رنگ شده است . سالها فریب در اینجا اتفاق نیفتاده است ، تحریکات جهانی در این مورد نیز نمونه های بیشمار را از ملل و دگرگونی خرد بهروازی و پیشرو سران آن عرضه داشته است ، که چگونه توده های خود را به اتحاد و سازش با بهروازی می کشانند ، که چگونه در جهت سر حالات برای قشر فو قانی کم ده و توده های زحمتکش گذشتهای ناچیز بسیار کم نساء شدنی میکنند ، که چگونه همواره بر کمینه مسائل قطعی شکل زاده و نایوان بهروازی عمل می کنند .

آقای صاحب که از سیاستهای تنابریستی و سکا رتیستی "مردمی سازمان به تنگ آمده است به شورای ملی مقاومت پناه میبرد تا "دگرگونی" را انتخاب نماید . دگرگونی که در آن رهبر جمهوری تجربه گرانیهائی را برای توده ها از شیوه کار "دگرگونی" بهروازی ، در گنبد و گردستان ، در آشکاهای و کارخانه ها و ... از خود باقی گذاشته و ستولش از هم اکنون تشریح خواهد یافت بلند - گوی تبلیغات ضد کمونیستی گرد آمده است و نیز ستول شور برای نشان دادن "دگرگونی" شوره در برنامه دولت موشان همه جا از "مسلیمانان" نام میرود . مبارک است آقای صاحب . اگر فصل تلفیق دین و سیاست ( بهر صورتش ) از نقطه نظر تاریخی به پایان رسیده ، بود ، اکنون بطور شخص نیز با تجربه جمهوری اسلامی هر نوع دگرگونی اسلامی نعم از نوع انقلابی ، واقعی راستین و فقهائی بر آمده است ، حکومت دگرگونی و اسلام در تناقض آشکار است . اما آقای صاحب بجای تکیه بر تجربه ها و اصول اساسی مارکسیسم - لنینیسم "نلاش" دارد زهن کارگران و زحمتکشان را تیره و تار سازد و آنها را عقب گرد فراموشاند . اگر حزب توده و نادری اتحاد سوسیالیسم علمی و اسلام انقلابی ( فقهائی ) تحت قیومیت بهروازی بود و بالاخره خود را در این اتحاد یکطرفه اعلام شده ، به جار و جنج کیند ، آقای صاحب بنادی اتحاد سوسیالیسم علمی با اسلام راستین تحت قیومیت بهروازی - لبرال گفته است .

آقای صاحب در دوران انقلابی توده ها راه پذیرش رفرم دعوت میکند . و ما سوسیالیسم "مارکسیسم" برخلاف "سوسیالیسم" دگرگونی "خرد" بهروازی و اپورتونیستی حضرتان پلخائف و کاتونیستی "شوکا" ( یعنی امثال آقای صاحب ) برانست که در دوره های مذکور ( دوران انقلابی عموموا و از جمله در دوران انتقال از سرمایه داری به

سبک کار . . .

بقیه از صفحه ۱۶

سوسیالیسم ) دولت نباید از نوع جمهوری پارلمانی بهروازی باشد ، بلکه باید از نوع کمون پاریس باشد ( لنین ، وظایف پروتاریا در انقلاب ما ) .

بهر حال ، اختلاف اصول و خط مشی آقای صاحب با "حرم اصولی و انقلابی" سازمان روشن و صریح است . در همین حال آقای صاحب نمیتواند که طی بیش از یکسال زینم که از برقراری کنگره سازمانی میگذرد ، ضمن پیشبرد اصول حزب سازمان ، موازین عقیده تم خود را به بحث بگذارد و طوسی مبارزه با بد نظریه از آن دفاع نماید . اصلا همانگونه که گفتیم آقای صاحب این کار را نکرد . مجال که بدلائل شخصی از سازمان اخراج شده است ، هیا همراهی اندازد که هلت اخراج مخالفت ایشان با سیاستهای سازمان در مورد محاهدین شورای ملی مقاومت و پیشرو روح مقاله "دوره بهتر" وجود دارد . بده است . اما آقای صاحب حتی یک نوشته کسی اعتراضی از خود را این باره به تشکیلات ارائه نمیدهد و ترجیح میدهد که اعتراض خود را از زمین بیاهدین اعلام دارد . چرا ؟ چون سالها آقای صاحب ، مقاله فوق نیست ، بلکه صدمات کنگره در مورد صف انقلاب ضد انقلاب ، شورای ملی مقاومت و وظایف پروتاریا در انقلاب دگرگونی و غیره میباشد . شاید هم آقای صاحب تصور میکرد که صدمات کنگره برای بایگانی در آرشیو سازمان بدر میخورد و در جریان عمل نمیتوان اصول خود را به پیش برد ( مثلا در گردستان ) . با این وجود ، آقای صاحب پس از اخراج نمیتوانست بدون تحریف ، تخطئه و تحقیر چیزی و . . . به شورای ملی مقاومت بپیوندد و دفاع از موازین خود بر آورد . اما آقای صاحب ترجیح میدهد - رسالت خدمت به بهروازی را هر چه بیشتر با حمله سازمان مآتکمیل کند ، شلوغی بر راه بیاندازد و وجد او را به نمایش خود را در نام کردن سازمان و احیایاناش "سائیکل" تشکیلاتی سازمان به بهروازی بدهد .

"شلوغ کنید برادر" ، شلوغ کنید خاک به چشم کارگران و زحمتکشان بیاشوب ، تحریف کنید ، منس خود را هر چه بیشتر عیان سازید ، از "حرم اصولی و انقلابی" بهروازی دفاع کنید . از "اصول اساسی مارکسیسم - لنینیسم" بی ضرر و تهیی شده از خنوعون انقلابی مورد پذیرش بهروازی دفاع کنید . "دوره بیشتر وجود ندارد" سران خرد بهروازی "باید" اعتماد به بهروازی راه مردم بیاموزند ، پروتاریا هم باید عدم اعتماد نسبت به بهروازی را بر مردم بیاموزد . همین است ریشه اختلافات ما و اینست ریشه برخورد های مفرطانه کونی شما سازمان .



### کار و ... . بقیه از صفحه ۲۰

ضمن انجام وظیفه تجدیدیه این نیروهای پنهانگه و پیشرو سزای اینکه در اختیار خود ه های وسیع قرار گرفته نیازمند ساده شدن ، بازنگری و تنظیم مجدد توسط هواداران خواهند بود .

بانیچه به آنچه گفتیم ، ارگان سازمانی در شرایط کنونی موظف است مسائل اساسی جنبش را به واقع بینانه ترین وجه ممکن مورد مذاکره قرار دهد و درصدد باز کردن گره گاههای اصلی آن باشد . بحثی از وضعیت سیاسی و موقعیت جنبش نیروها در داخل و مسائل مهم جنبشهای رهایی بخش ( فلسطین ، آمریکای لاتین و ... ) ، کشورهای سوسیالیستی و ... تحلیل ارائه دهد ، ضامن برنامه ای سازمان را ترویج نموده و روشهای عمومی ولی مشخص عملی در زمینه کار مبارزاتی هواداران و توده ها ، ارائه نماید .

تلاش مانیز در این راستا میانجیگری کانالیزه شود . ولی اینکه مانیاچه حسد نوانسته ایم این نیازها را برآورده سازیم ، مسئله ای است که پیش از همه ، خود خوانندگان نشریه ، رفقای تشکیلات ، هواداران ، کارگران و زحمتکشان پیشرو و مبارزان گاه که نشریه را دریافت کرده اند ، میتوانند بهتر از هر کسی بیه بهترین نحوه تصاویر کنند . در حقیقت یکی از مهمترین طرق معکوس زمین کارنامه کارشناسی نظرات خوانندگان انقلابی نشریه در مورد آنست . بجزه آن فعالین سازمانی ، هواداران و عناصر پیشرویی که مستقیماً درگیر مبارزه انقلابی هستند .

اما ، مسافانه ، بدتهاست که ما از برخورد های فعال رفقا شروع نمائیم و هرچند که گاه بگاه پیشنهادات ، انتقادات نامه ها ... برای ما ارسال شده ولیکن این مقدمه ارفوق العاده محسوب نمیشود و نمیتواند ( همچنانکه تاکنون نتوانسته است ) بواقع یک ارزیابی دقیق از کارمان بدست دهد .

ماناکنون سعی کرده ایم تا باطریق مختلف امکان مکانیزیم انجام و تسهیل این مهم برقراری ارتباطی ارگانیک با رفقا را فراهم سازیم و از طریق بولتن خبری درونی ، پاسخ گویی مستقیم و ... و گاه از طریق نگارش مقالاتی در نشریه مسائل رفقا پاسخ گوئیم . ولی هنوز این تلاش ما کفایت نیازمندی ها را نمیکند و در حالیکه خود ما از دریافت مجدد انتقاد و پیشنهاد و برخورد غیرفعال رفقا می نالیم اما از سوی دیگر رفقا نیز با انتقاد در آمدن که حتی موفق نبودیم به همین مجدد نظرات انتقادی نیز موفق

باندازه کافی و در جای خود پاسخ گوئیم . از همین رو صفا طرورد آشنی گامی در بگردن راستای برقراری ارتباط نزدیک تر با ارگانیک با رفقای تشکیلات و هواداران و کارگران و زحمتکشان پیشرو و آگاه و مبارز و حتی سایر نیروهای انقلابی ، از این شماره اقدام به گشایش ستونی تحت عنوان " نقد و نظر " در جهتشن و درآوردن " نموده ایم .

ما از این بیه بعد خواهیم گوئید تا بهترین انتقادات ، پیشنهادات و ... سوالات و نظرات و مسائل رفقا را تا آنجا که شرایط و عوامل مختلف اجازه میدهد ، منعکس کرده و در صورتی که برایمان مقدور باشد هرچند بطرفشده ، پاسخگو بنائیم . در مواردی نیز که پاسخها در چهارچوب توضیحات نسبتاً کوتاه تحت این ستون امکان پذیر نباشد ، اقدام به تهیه مقالاتی در جوابی که به سوالات ، مشکلات و معضلات شما خواهیم کرد .

بانیچه به آنچه گفته شد ، بنظر شما ارتقاء کیفیت نشریه ، کسب اطلاع از وضعیت کنونی جنبش ، موقعیت هواداران و مشکلات آنها ... از کنگره رفقای تشکیلات ، هواداران ، کارگران و زحمتکشان مبارز و آگاه و هر عنصر مبارز دیگری میخواهیم که بخصوص در زمینه های ارتباط خود را با ما حفظ کرده و برایمان نامه بنویسند :

- ۱- نظرات انتقادی شما نسبت به مقالات و مطالب مذکور در " کار "
- ۲- پیشنهاد برای برخورد با سئوالاتی که فکر میکنید برای نیروهای سازمان و جنبش ضروری است و میتواند از طریق ارگان و یا هر طریق دیگری ارائه گردد .
- ۳- نظر شما نسبت به ذهنیت نوده ها ، کارگران و زحمتکشان
- ۴- نظر شما نسبت به موقعیت ، ذهنیت و مسائل هواداران و نیروهای سازمان ، مشکلات در کار تبلیغی و فرهنگی ، مشکلات عملی توزیع ، پخش و ... و در مرحله بعد سایر نیروهای جنبش .
- ۵- ارسال هرگونه گزارش و خبر در ارتباط با جنبش توده ای و مسائل درونی رژیم و ... یا در هر چه موفق و نهمه موفق یا شاید ... یا در گزارشها و شرایط وقوع و مشخصات لازم دیگر .
- ۶- اگر دست اندر کار تهیه تراکت ، اعلامیه ، بولتن ، خبرنامه یا نشریه محلی و منطقه ای و ... هستید یا در هر زمینه لازمی مقاله ای نوشته یا میتوانی بنویسید ، حتماً آنرا برای ما ارسال دارید .

رفقا ! ارتقاء " کار " ، ارائه تحلیلها و رهنمود های انقلابی و منطبق با شرایط مشخص در جهتند اخله هرچه فعالتر در مبارزه -

طبقاتی حاد جاری بدون همکاری انقلابی و نزدیک شما مسریت . ما از شما میخواهیم با تمام توان و مسئولانه به این وظائف انقلابی خوش برخورد نمائید و ما را از نظرات خود آگاه سازید و ارگان سازمانی را ترمیم خود و جنبش تلقی کنید . رفقا ! صفا بنظر شما شخص شدن و حصول اطمینان از دریافت توضیحاتتان توسط خود و به خاطر ایجاد امکان رجوع مجدد شما برای برقراری ارتباط با ما و همکاری سائل ، رفقا شما میخواهیم تا کمی مرکب از دو حرف و سه عدد ( مثل ، بک ، ۳۲۲ ، ج ، ۳۲۲ - ۳۲۲ ) برای خود انتخاب نموده و با ذکر تاریخ اخبار و گزارشات ، نامه ها و نوبتجات خود را ارسال دارید . ما بلافاصله پس از دریافت آن در اولی شماره نشریه اقدام به درج که شما خواهیم کرد .

ما در اینجا کار خود را با پاسخگویی به چند سوال و انتقاد آغاز میکنیم ، باشد تا سنت انقلابی برقراری جنبش ارتباط ارگانیک به خلافتان ترین نحو ممکن ، تد اوم یابند .

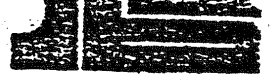
#### رفقا نوشته اند :

۱- " اخبار جنبش خلق کرد بسیار کم و تکراری است ، هرچند وجود مشکلات و ارتباط گیری را نمیتوان نادیده گرفت ، اما رفقا ، این مسئله اهمیت فراوانی دارد ... فعلاً در نشریه عنوان " جنبش انقلابی خلق کرد " مورد استفاده قرار میگیرد در حالیکه تنها به اخبار عطیات پیشمرکه های فدائی سازمان اشاره میشود ... "

در پاسخ باید اعتراف کنیم که در این زمینه نشریه گامی نداشتیم و نتوانسته است از طریق درج اخبار اساسی جنبش انقلابی خلق کرد ، رفقا را در جریان وضعیت واقعی مبارزه در کردستان قرار دهد و بدینوسیله تحریکات و اخبار رژیم را بنظر ما که باید و شاید خنثی نماید . نظر رفقا در مورد انعکاس اخبار عملیات مبارز جریانات سیاسی و فرهنگی در کردستان نیز که علیحده رژیم مبارزه میکنند و مبارزات آنها از سوی سازمان مورد حمایت قرار میگیرد صحیح بود ، و نامی خواهیم کرد تا بتدریج بر این ضعف خود قایق کنیم .

۲- " اخبار راجع به جنبش جهانی وجود ندارد ... پس از انتشار مجدد در کار در تیرماه ۶۱ در پی وقته سه ماهه ضربه اسفند ماهه نظر به اینکه مطالب دستوای نشریه میانجیگری با توجه به شرایط اختناق و مشکلات دیگر از یکسو و نیازهای جنبش از سوی دیگر منطبق میگردد ، بقیه در صفحه ۱۸

## پیشتی بسسوی تشکیل حزب طبقه کارگر



### جنبش انقلابی . . .

بقیه از صفحه ۲۰  
دوستان گرامی ۷ هزار لیتم  
نفت صادره و بین روستائیان روستاهای  
اطراف بخش کردند .

### پنجم مرداد - مستندج :

پیشمرگان کیموله جاده اصلی مستندج -  
کامیاران راسته با وجود اینکه جاده به  
شدت توسط رژیم محافظت میشد و حضور  
تعداد زیادی پاسدار در طول مسیر جاده  
ابطد در ساعت تحت کنترل خود  
گرفتند ، برای مسافرین صحبت کرده و یک  
ماشین متعلق به استاد آری ارحادریه -  
کردند .

روستای قران در جنوب شرقی مستندج  
واقع شده این روستا نیز ه مردان از ساعت  
صبح مورد تهاجم نیروهای سپاه و ارتش  
قرار گرفت بدینال این تهاجم نیروی سختی  
بین پیشمرگه ها و مردان رژیم در گرفت در  
این جنگ تا روبرو عشریم نامی تلاشهای  
ارتش و سپاه که از هر سو روستا را زیر آتش  
نوپ و خمپاره گرفته بودند ، مقاومت  
نهرمانانه ای از سوی پیشمرگه ها در مقابل  
یورش رژیم صورت گرفت پس از ۱ ساعت  
مردان جوانیکار با جانکوشی اشش تلفات  
سایر مجبور به عقب نشینی تا مواضع قبلی  
شدند .

پیشمرگان به یک پایگاه دشمن در  
داخل شهر سردشت حمله کرده با وارد  
آوردن خساراتی به این پایگاه ، بسیاری را  
بہلاکت رساندند .

یک خودرودشمن توسط مین در فاصله  
مروان - سردشت ضهدم شد .

صبح روز پنجم مرداد ، کیموله و جاده  
بینین یانه توسط پیشمرگان تحت کنترل  
در آمده یک ماشین متعلق به پایگاههای  
دشمن در اطراف منطقه هدف آتش  
پیشمرگان قرار گرفت که اکثر رشتینان به  
هلاکت رسیدند . رژیم پس از اطلاع از این  
خاوند نیروی ککی به منطقه فرستادند  
پیشمرگان با وارد آوردن تلفات بیشتر  
موفق به شکستن حلقه محاصره و فرار از محل  
درگیری شدند .

نفران مزدوران رژیم با تله انفجاری در  
نزدیکی مهاباد برخورد کرده کشته میشوند .

روستای باغچه بارد یکمورد تهاجم  
ارتش و سپاه ضد خلقی رژیم قرار گرفت .  
هدف از این حمله بدست آوردن اسلحه

روستائیان بود در این رابطه عده ای از-  
روستائیان دستگیر و شکنجه میشوند اما رژیم  
اینبار نیز با مقاومت مردم قهرمان این روستا  
مواجه شده و مجبور به ترک آنجا میشود .

### ششم مرداد - مهاباد :

رژیم حمله گسترده ای راهراه با  
هلیکوپتر ، توپ ، خمپاره و کاتیوشا در ساعت  
صبح به روستای قره تلاق آغاز میکند .  
این نیرو ۱ ساعت بطول می انجامد که طی  
این مدت نیروهای ککی ارتش و سپاه از-  
شهرهای مهاباد ، بنگان و میاندوآب برای  
تصرف روستایی پس از دیگری وارد حمله  
میشوند . اما با وجود نیروی عظیمی که از جانب  
رژیم بکار برده میشود ، مردان با جسار  
گذشتن ۱۰۰ کشته شکست مفتضحانه ای  
از پیشمرگان و مردم قهرمان این روستا  
خورد و عقب نشینی میکنند . در میان اجساد  
جایمانده جسم فرممانده گروه ضربت مهاباد  
بنام احمد حسینی فرممانده سپاه پاسداران  
میاندوآب شناسائی شد در این درگیری دو  
کلانشکف ، تعدادی از ۳۰۰ - ۴۰۰ هزار  
فنگ ، ۱۷۰ خشاب و ۷۰ نارنجک بدست  
پیشمرگان افتاد در این نبرد تا روبرو ۱۰ -  
پیشمرگه حزب دگرگات شهادت رسیدند .  
روستا که به خمپاره و توپ بسته شده بسود  
مردان کنت پیچند تن از اهالی روستا زخمی و  
یک دختر بچه ۵ ساله نیز شهادت رسیدند .

در ساعت ۱ بعد از ظهر یک توپ گرامی  
۱ پاسدار در نزدیکی روستای یوسف کندی  
به کیمین پیشمرگان افتاد که هرگز شکست  
سرنشین آن بهلاکت رسیدند . بر اثر این  
حمله نیروهای ککی دشمن برای محاصره  
پیشمرگان خود را به منطقه می رسانند . اما  
پیشمرگان با بهلاکت رساندن تعداد  
بیشتری از آنها حلقه محاصره را شکسته و  
خود را منطقه آزاد شده میسازند و یک  
پیشمرگه حزب دگرگات در این درگیری به  
شهادت میرسد .

### هفتم مرداد - دیواندره - سه راهی هزار کانیسان :

یک ماشین سیمرغ متعلق به رژیم همراه  
با کالیبر ۵۰ به تله انفجاری پیشمرگان افتاد  
که با انفدام ماشین ۱ سرنشین آن کشته  
شدند و یک نویجوی " تلر الله " که بدینال  
آن می آید نیز اثر این انفجار آتش گرفت و  
پاسداران بهلاکت رسیدند .

سردشت : فرممانده یک دروهان سپاه  
همراه با اسلحه اش خود را تسلیم پیشمرگان  
نمود .

نهم مرداد - مانه :  
پیشمرگان وارد شهر مانه شده و برای  
مردم صحبت و تبلیغ میکنند .  
یک جیب ارتشی با سرنشین بوسیله  
مین در جاده هزارگانان ضهدم شد . با  
با انفجار دو مین در دیواندره ۲۳  
نفر از افراد دشمن کشته میشوند .

### دهم و یازدهم از صفحه ۱۷

بخطرات نقلی تعداد صفحات  
نشریه ، بخش جهانی و اخبار بین المللی  
از " کار " حذف گردید . طبق این تصمیم  
- گیری ما ناچاراً تنها گاهی اقدام بارائنه  
مطالعه در زمینه های بین المللی کرده ایم ،  
زمانی که مسئله شخص و جاری رخ داده  
و از نظر مبارزاتی جنبه تعیین کننده ای در  
جهان ، در منطقه خاور میانه و در سطح  
جنبش مانیز بوده است . از جمله  
این موارد میتوان موضع گیری در قبال مسائل  
فلسطین و السالوادور را نام برد . ما سا  
توجه به محدودیتها ناچاریم همچنان از  
درج اخبار بین المللی بظور معمول اجتناب  
کرده و صرفاً در مواقع حساس اقدام بیه  
ارائه مطلبی در این گونه زمینه ها موضع گیری  
و تحلیل شخصیتانیم .

۳ - اخبار راجع به شهرستانها و  
اخبار حلات اصلاً وجود ندارد و اخبار  
کارگری نیز بجز اخبار بسیار کم است .  
همانطور که در بالا توضیح دادیم  
بخشی از صفحات ارگان با توجه به  
محدودیتها از آن حذف شده است .  
از جمله این موارد بخش مربوط به اخبار  
شهرستانها و جویکهای اعتراضی سردم  
بغیر از اخبار و گزارشات کارگری ، است .  
اخبار کارگری قلندنا میبایستی همواره بخشی  
از مطالب ارگان را تشکیل دهد و نسبتی  
کاستی در این زمینه میبایستی عمدتاً بکوشش  
رفقای کارگر و مبارز کارخانه ها و واحدها و  
مراکز صنعتی و اقتصادی و کارگری و یخست  
- های کارگری سازمان مرتفع گردد .

در زمینه اخبار و گزارشات خود ای و  
کل جنبش نیز ، تاکنون سعی کرده ایم  
هر از گاهی مقاله ای بصورت جمع بندی شده  
و تحلیلی ارائه دهیم . در آینده نیز ضمن  
بیکبری این کار ، نظریه ضرورتی که به  
خاطر شدت یابی مبارزات کارگران و  
زحمتکشان احساس میشود ، بزودی اخبار  
مبارزات کارگران و زحمتکشان از طریق یک  
" ویژه خبری سراسری کار " به همراه نشریه  
" کار منتشر خواهد شد ، تا بدینوسیله خلا  
اخبار و گزارشات مبارزات انقلابی توده ها و  
مسائل سیاسی که بخاطر محتوای عمدتاً  
ترویجی و تحلیلی - سیاسی نشریه کار در آن  
احساس میشود از طریق این ویژه خبری -  
سیاسی جبران گردد .

حقوق ملل در تعیین مسیر نوشتن خویش حق مسلم آنهاست

باشد و هزار سودا، چون مرگ بر او سازد،  
کج ، بی پند ارمیاند .  
صد سیری از این هیولا بود .

اما او هر چند با "موجهای آرس" بدربار  
پیوست ولی هزاران سرو هزاران ماهی  
سیاه کچولوی ز انارابه درهای طلعت و  
تیره بخنی کسبل داشت تا به از خفتگان  
بی روح که واقعیتهای روزمره زندگی ، در  
خواب آلودگی شب بصورت رؤیای در هشتاد و  
هفت هایشان زانگم میساخت ، سر به  
دربار آزاد رار همناکردند .

" ماهی سیاه کچولو " نه تنها روزه را  
رایب بود ، که بحر خنجر و خلیج فارس را -  
در نوبت بدویه درهای بد پترانه راه یافت و  
روح " لورانس " معلم فلسفه فرانسه را آنچنان  
به هیجان آورد که در باره اش نوشت :  
" صد بهرنکی در شمار این مبارزان خستگنی  
ناپذیر بود ، و با آن اسواطوری بزرگ و وحشی  
می جنگید که مانسانها را به بنایان زندان  
بردی غرض مبدل میکند . . . .  
" ماهی سیاه کچولو " کودکی گرد نکش  
است در دل صفتی مبلغ ناپیوستگی و  
ناتوانی ، که برای پیش راندن ، از چشمها و  
باله های شنای خویش همت می طلبد -  
و بهرنکی قهقهه آن ماهی کوچک را تنها به  
قصد فروریختن همین دیوارها و کسبختن  
هفت زنجیر هائی تربت که حتی پاره نمی  
کسان و پس که به ترس آویخته شده اند به  
دفاع از آنها بر میخیزد .

" ماهی سیاه کچولو " پیش می رود . -  
عده ای خواهند گفت چه بچه ماهی سرخوی  
ورخی خواهند گفت : هوشندا ، کسه  
سلاحهایش را خود ، یک به یک در کسوره  
نبرد آب میدهد و توان انرا از آنکه با  
آرامش خاطر خطاب به نمای انانی که  
هنوز از وحشت برخورد می لرزند بگوید : " تا  
قدم در راه ننگ داریم ترسان نمی ریزد " .  
رفیق صد استوار و صم قدم در راه  
گذاشت و همراه رفقا بهروز دهقانی ،  
نابدل و . . . کرد ان رزم و کین علیه دشمن  
طبقاتی راند ارك دیده تاد رنبرد خصمانه  
بانظم سرمایه و حامیانش حماسه ها  
بیافریند .  
صد آمیزه ای از صمیمت و جسارت بود  
و درک عمیقی از مبارزه . او با تمام توان  
علیه رژیم بیداد سرمایه ایستاد و مشعل  
مبارزه را تا او پایین دم حیات فرزان  
نگهداشت .

صد امروز در زندگی و مبارزه هزاران  
ماهی سیاه کچولوی دیگر که در دریای  
بیکران مبارزه طبقاتی علیه رژیم سرمایه  
خالصانه پیکار میکنند ، زنده است و ایمن  
گفته او چنین آنگن که :  
" مرگ خیلی آسان میتواند الان به

صدمه . . . بقیه از صدمه ۲۰  
واحد دارند ، دید ، که  
چه سان فرورتنانه از طریق اندیشه جوانه  
های عنصر مبارز و آگاه و صلح به جبهان  
پیشی علی را با هر دو مبارز . او از جوان بنیادش  
نیاز داشت لبر و آگاه دید که " خنجر اهداشی  
مارمولک " را برای شکافتن " کبسه مرغ سقا "  
با فرمانبرداری از صلاح اندیشه بخند مست  
میگردند .

او بر این باور بود که اندیشه تا زمانیکه  
با واقعیت زندگی در هم نیامزد و برگزیده و  
اجتماع گره نخیزد ، گیاهی است بی ریشه  
نیروی است واحد ، که قادر به ریشه کن  
کردن بیدادگران نیست . او بر این اعتقاد  
بود که : " در طول مبارزه عده تیرین امتیاز  
فزیاتی است که بر دیگر دشمن فرود بیاری ،  
با کیفیت بیشتر و فقیر " و این میسر نکرد ،  
گر یا خود آگاهی طبقاتی .

صد برای رهائی جامعه از سرباد  
گندیده سرمایه ، چون کاشفی سخت گوش  
به هر کوه و دشت ، و در قمر بود و در باره  
میگشود تا به ماهیهای سیاه دانا و شجاع  
دیگر دست نیابد . آن سرک قالیبای ، با  
استعداد فوق العاده ای که با " نهفتن  
مبارزان جوقه برای بید کردن راه مبارزه و  
بعضی هزاران شیفتگی در مبارزه سلحانه  
به دیگر جوانان میامیخت " یعنی همان  
منافق فلکی تیریز و با آن دشمنی کفیه  
" مثال کامل تواضع ، انسان طرفدار  
کجکای که از خواندن در یاد گرفتن و تیریزه  
طفا خسته نمیشد " کسی جز نابدل نبود  
تصف میکرد .

رفیق بدرهای افشاند و اش را تنها  
به انجا بر وقت میبرد که به زودی ننگر اند  
پس از آن میگفت : " کیف کرده ام که آنچه  
تا به این رسال پیشی برای من جز طرح و نقشه  
چیزی نبود در ارتقا می شود و صورت عمل  
می یابد . . . یک مقدار " فکرهای مبتنی بر  
واقعیت " و بنا بر این کویای حقیقت را باید  
بر میان " مردم " که بجه هاشمی از انند  
" صد چهره حیرت انگیز محمد بسود  
نعمدی که بحق میباید بانصاف غول و  
هیولا توصیف شود غول محمد ! هیولای  
محمد ! چرا که هیچ چیز در هیچ روز و  
زمانه نمی همچون " محمد روشن فکران و  
هنرمندان جامعه " خوف انگیز و آسایش  
بر هم زن و خانه خراب گزینها و گاستی ها  
نست .

چرا که محمد اورد هائی است که  
گرا نیاترین کج عالم را پاس میدارد گنجی  
که نامش آزادی و حق حیات ملتهاست و  
این اورد های باید از ، می باید از دسترس  
مرگ در بر ماندن آن کج عظیم را از دسترس  
تا ابدان در بردارد . می باید اورد هائی  
باشند بی سرک و آشتی . و بدین سبب  
می باید هزار سر داشته باشد  
و یک سودا . اما اگر یک سرش

سراغ من بیاید ، اما من نمیتوانم زندگی  
کم نباید به بنوازم مرگ بزم . البته اگر  
یک وقتی ناچار بارگ رو برو شدم - که  
می شوم - هم نیست ، مهم اینست که زندگی  
با مرگ من چه اثری در زندگی دیگران  
داشته باشد .

محمد شاملو ، از کتاب : صد بهرنکی  
با موجهای آرس بدربار پیوست .

کمکهای مالی دریافت شده

مبلغ	کد
۱۲۰۰۰	الف
۱۰۰۰۰	روستای نولال
۲۰۰۰۰	رفیق سینا
۲۰۰۰۰	ن - ۲۲
۵۰۰۰۰	رفیق هادی
۳۰۰۰۰	ایران زحمتکشان
۴۰۰۰۰	مهرتوش
۵۰۰۰۰	ر - ۲۵
۵۰۰۰	ستاره سرخ
۱۰۰۰۰	ر - ح
۲۰۰۰۰	ش ۵۵۵
۵۰۰۰۰	بدون کد
۲۰۰۰۰	رفیق سینا
۳۰۰۰۰	رفیق هواد ارکج
۳۰۰۰۰	سلطانپور
۵۰۰۰۰	رفیق سبیل
۲۰۰۰۰	رفیق کاظم
۱۰۰۰۰	ناصر شمال
۳۰۰۰۰	د - رفیق شهید
۲۰۰۰۰	علی اصغر فلاسی
۲۰۰۰۰	رشاک ۳
۱۰۰۰۰۰	بزرگ
۷۰۰۰۰	آزاده
۳۰۰۰۰۰	م - ۲۲۱
۵۰۰۰۰	ش ۵۵۵
۵۰۰۰۰	رفیق کاظم
۵۰۰۰۰	ماهیکبر
۲۳۳۵	قلک حمید
۴۲۲۰	هسته آذرخش
۱۰۰۰۰	کارگردان
۴۰۰۰۰	ع - نولال
۱۴۰۰۰	حمید
۵۰۰۰۰	رفیق بیوس
۱۲۰۰۰۰	کمینه غرب
۲۰۰۰۰	ش ۵۵۵
۱۵۰۰۰۰	ع - ۱۳۴
۵۰۰۰۰	آمانج ۲۲۲
شمار	۴ - ۳
۳۰۰۰۰۰	وحید شرفی بدر
۲۰۰۰۰۰	گروه سمود
۲۰۰۰۰۰	د - ۱۲۳
۱۵۰۰۰	م - ۲۲۸ رفقای
۵۰۰۰۰	لاهیجان
۵۰۰۰۰	مجید ۳۷

با و دان باد خاطر همه شهیدای بخون خفته خلق





ارگان مرکزی يك سازمان و حزب کمونیستی، در حقیقت همانند کننده اصلی کلیه فعالیت‌های آن سازمان یا حزب و حوزه ایده‌ها و نظرات واحد سیاسی - ایدئولوژیک سازماندهی است. عاملی که چون ریشه - ای سرخ فعالیت کلیه نیروها را در اقصی نقاط بهم پیوند می‌دهد و این نیروها را حول خود بسیج میکند.

بعبارت دیگر ارگان سازمانی هم يك مبلغ خراسی است و هم يك مرجع مراضی و مخاطب بسیج نیروها حول خود و بدین طریق - هم يك سازماندهی مراضی و البته شرایط مختلفی که بازه در آن جریان دارد گاه سبب میشود که ارگان سازمانی از لحاظ محتوا و ضمن دستخوش تغییراتسی

شود و بزنه طالب آن بود موضوعات و مقالات تبلیغی - سیاسی و آنتروپوسی و تحلیلی، تفهیر کرده و بگه بسود این یا آن سنگین کرد. بعنوان مثال اگر تاندتها اکثر طالب نشریه در بر خود به مسائل سیاسی روز باضمین تبلیغی - سیاسی و خبری تهیه نموده، امروزه بهروزه پس از وقایع، مخرود ادوشتند به جز سرکوب و محدودیت‌های ناشی از آن و محتوای نشریه را بعدنا طالب تحلیلی - سیاسی و خبری تشکیل می‌دهد و وظیفه اساسی آن نه تغذیه مستقیم توده‌های وسیع و اقشار متوسط و پایین بلحاظ آگاهی سیاسی بلکه جوابگویی و رهنمائی اقشار آگاه و بهروزه و تالین نشریات طبقات انقلابی در این مرحله جنبش و هواداران و - سمپاتیون‌های سازمان و حتی خود رفتاری تشکیلات تغذیه شود و آموزش میدهد. حرکت‌های مبارزاتی خود را حول تحلیلهای سازمانی تمرکز و فعال کرده و بینه خود اقشار متوسط و پایین و توده‌های وسیع را آموزش میدهد. البته همانطور که مشاهده میشود، کار بخش خاصی از طالب خودش را هنوز متناسب با نیازهای جنبش در خدمت مقالات تبلیغی - سیاسی و خبری و سیاسی روز و اخبار کارگری و جنبش انقلابی خلق کرد قرار می‌دهد. طالبی که برای توده‌های وسیعتری قابل فهم بوده و از سوی رفتاری تشکیلات و هواداران بهروزه قابل تکثیر و ترویج هستند. هرچند که اکثر طالب نشریه - بقیه در صفحه ۱۷



صمد جاودانه است

چنین گفته بودند "آب آباریست فروغ زندگی، شاد است"

کهن در حیرتی اندوهناک از خوشی می‌رسیم؛ چسان رودی، چسان آبی است، آب رودخانه فرگانه فرگانه تنو که بر آبی است پیغامی، پیشیان تاریکی است.

رفیق صمد بهترین رانه تاریخ تولیدی است و نه تاریخ مرگی. او زندگی و مرگش همیشه افسانه تاریخ است. او در شمار وارستان بی مرگ است. او جاودانه است.

صمد را حیوان در دل بجان بازده - هو او زنده بود و نه ماهی کبیر بودی - دیگر یافت که در فکر راه یافتن به - آخر صمد استند. او را حیوان در صفحات کتابها که با آینه‌ها ظرافت کودکان به نگارش در آمده و مادران محض قصه‌های مبتذل شبانه کودکان را باندیشه بقیه در صفحه ۱۹



جاودان باد

خاطره فدایی شهید

رفیق سینا

لازم به توضیح است که فدائی شهید رفیق سینا در تاریخ ۲۷ شهریور ۶۱ به شهادت رسیده است، با فرض پیش از این تاخیر، در این شماره اقدام به گرامیداشت رفیق می‌نمائیم.

کرد افتدگان رژیم خوشخوار بود و ضحش جمهوری اسلامی که با تکیه بر ناآگاهی توده - ها بودند حضور پیشرو، انقلاب خوشبخت خلق را به قارت بردند، راهی جز سرکوب و حشیاانه برای تثبیت قدرت خود نمیتوانستند داشته باشند. این جلادان خلق فقط از طریق کشتار، لند امهای دست جمعی ششجه، ارباب میتوانستند چند صباحی سر عمر تنگیشان بقیه در صفحه ۸

مین که در جاده ستر - مروان کارگه افتاده شده بود به بلاکت رسیده تند

پارگان ۲۲ بهین واقع در نزدیکی ستر توسط پیشمرگان زیر آتش گرفته شد و طی این درگیری که سه ساعت بطول انجامید ۱۸ از مزدوران کشته شدند.

سوم مرد آن - دیواندره :

يك خودروارتنی حامل ۱۶ سرنشین توسط يك مین ضدم شده که ۱۲ نفر از مزدوران کشته و بقیه زخمی شدند. پنج تن از دستاان روستای قره چسی بجرم هواداری از نیروهای انقلابی بطرز وحشیانه ای توسط پاسداران، شهادت رسیدند. يك خودرو دشمن در نزدیکی پایگاه قاضیان توسط مین منفجر شد. پیشمرگان حزب دمکرات بدت چهار ساعت جاده مهاباد - ارومیه را زیر کنترل گرفته برای مسافرن صحبت و تبلیغ کردند. در همین عملیات بقیه در صفحه ۱۸



جنبش انقلابی خلق کرد

اخبار زیر مربوط به عملیاتی است که توسط نیروهای سیاسی - رگروستان و عمدتاً توسط حزب دمکرات و کومه انجام شده است. در ههاتن از مزدوران رژیم برسیله يك